

در اینکه این احساسات بی‌اعتنایی مسلمانان هند هم سرایت خواهد کرد (اگر تا حال نکرده باشد)، از مسلمانیات است در مقابل این خسارت بزرگ فقدان محبوبیت و اعتماد در بین مسلمانان که بالاخره بدون شک منتج نتایج وخیمه برای انگلیس در آسیه خواهد شد، فقط نفی که دولت انگلیس از این دوستی با روس میتواند نشان بدهد سخرای بلوچستان ایران است که جزء دایره منافع او قرار داده شده است. آیا این سخرای هندوستان را حفظ میتواند نماید اگر روس حی خود را در خراسان محکم کند و مسلمانان را از هر طرف بر عم انگلیس برای همراهی خود حاضر به بیند، اگر پورت آرتور با آن عظمت نتوانست مستملکات روس را در شرق بعید حفظ نماید چگونه میتواند یک سخرائی هندوستان را حفاظت نماید؟ آیا روس قانع میتواند بشود با شمال ایران بدون آنکه آنجا را جای پای رسیدن بخلیج فارس یا نزدیک شدن به بلوچستان قرار ندهد که هند را در زیر تهدید خود نگهدارد؟ ما ایرانیان امیدواریم که انگلستان محض منافع خود و منافع ایران بخطر این پلنگ کورانه که در مشرق تعاقب میشود بیدار گردد پیش از اینکه کار از کار بگذشته باشد!

مقاله مخصوص مدیر منجستری گاردین (در تأیید کاغذ فوق)

این اخباراتی که راجع بایران ما طبع کردیم امروز هیچ اسمی از دوستان ایران در این مملکت نمیدهد هنوز متأسفانه هیچ آثاری نیست که بنماید که روس قصد دارد که مطابق قرار داد انگلیس و روس عمل نماید و نیز متأسفانه هیچ آثاری نیست که تایید وزارت خارجه ما کنترول در تجاوزات و امتداد جوتی روس بخرج میدهد! کنترولی که وظیفه و تکلیف وزارت خارجه است نسبت بایران و نسبت بحودتان، روسها هنوز مداومت در اشتغال شمال ایران با قشون خود دارند بدست آویز پوسیده مدرسه «خطر نجان و مال متوطنین خارجه» و حال آنکه همچو خطری نیست، خطر و تهدیدات قزاقهای روس که بنظر می آید تا درجه زیاد خارج از کنترول نمایندگان روس در ایران میماند از همه بدتر است

§ کتلاک متکی واجبات روس هرروز درازدیاد است چنانکه یکی از خبرنگاران ما میگوید «قزاقها بزور مانع از حمل آرد بطهران برای رفع قحطی شدند و برجهت و بی احترامانه داخل خانه یکی از علما در تبریز گردیدند» و در جواب اظهارات نماینده ایران باین بی احترامی قونسول روس گشت قشون هیچ باو اطاعت ندارند با وجود این قطعاً الطریقی ما ادعای روسها که در ایران مانده اند تا مملکت را منظم کند دارند مایه مسخره است مگر اینکه از انتظام مملکت ما آن معنی بفهمیم که از خصایص روسها است Agent Provocateur علت ماندن روسها را در ایران مطالباتی که دولت روس از برای پس بردن قشون قزوین میدارد خوب آشکار مینماید روس قشون خود را پس میدهد و ایران محض نمودن احساسات نیک باید بروس بدهد، اول انحصار معدن مس قراچه داغ، دوم حق بر فرار موتور رانی بین راه رشت و طهران، بعبارت اخری منافع پلنتیکی و تجارتی بزرگ دائمی در شمال ایران و وسیله وصل نمودن سرحد خود با پای تخت ایران. اگر این است شرایط پس بردن قزاق از قزوین، پس چه خواهد بود قیمت آزادی تبریز مشهد و نباط دیگر که در اشتغال قشون روس است

§ از قشون روس در ایران آثار حفاظت خارجهها که در بی کسب شرعی خودند دیده نمی شود بلکه اعلام لخت کردن به تهدید و شلتاق معاینه میشود، توقف قشون روس در ایران برای این است که خود را محل نفرت اهالی نمایند تا رشوه هنگفتی برای رفتن خود بگیرند ما معنوم اگر بنای شکر را بگذاریم که آیا روسها هرگز از ایران خواهند رفت

§ اینها فقط اقدامات روس است ولی بریطانیای بزرگ از آنجاییکه قرار داد حفظ درستی و استقلال ایران را امضی نموده منناً شریک مسئولیت این اقدامات روس است

§ در مسئله مستشار های خارجه سفارتین روس وانگلیس معاً کار میکنند، چندی قبل کابینه را از دو اعضاء که علت تمایلات ملق آنها را مورد نفرت دولتیین ما داشته بود طردی کردند، و این کابینه جدید هم

بعد از اشکالات زیاد مجلس را بسر رضایت در
استخدام مستشارها آورد، مستشاری که خود دولین
لازم میسرند مجلس مایل است که مستشار آورده
بشود ولی ازدول اروپائی که کتر متجاوز کار باشند.
مثلا سوئیس و مولاند و دنهارک و فرانسه و ایتالی.
سفارتین آوردن این مستشارها اعتراض می کنند
بدلیل اینکه باعث ایجاد رقابت بین المللی در ایران
میشود. و روسها از قرار معلوم میخواهند از
بلجیک مستشار گرفته شود، زیرا که مستشار بلجیکی
گذشته قرار داد تعرفه بین روس و ایران بست که
نه فقط مایه خسارت تجارت ایران و نفع روس شد
بلکه باعث صدمه تجارت مام گردید.

بعد از اقدامات سارتن در منع دولت ایران
از دادن پاره امتیازات بخارج در دایره خارج از
دوایر منافع دولتی، این اقدام حقه مستقیم با استقلال
ایران است. خیلی مشکل است فهمید حضور رقابت
بین المللی تولید میشود. از آوردن مستشار ازدولی
که منافع بلژیکی و تجارتی در ایران ندارند

زیرا چیزی که واضح است این است که این مستشارها
ممکن است مایه کلا دولت ایران شوند در حفظ
استقلال خود از خود بروس. این است که سفارت
انگلیس ما روس متفق و مقام مخالفت با این مستشارها
آمده. وضع ما ولو اهمیت رابطه اش با گذشته و
چیزی که اش با آتیه بود باز هم خیلی مایه محکوم بود
انصافاً ما بایرانیانی که استقلال آنها را ضایع
کرده ایم و ایرایشها که عادت بر این کرده اند که ما را
معظم بدارند یاد میدهم که ما را مثل روسها محل
تفرت بدارند و ما در روابط وسیعه مختلفه خودمان
با عالم اسلام حضرات برای خود انبار می کنیم.

و این فقره آخری از ارکان تاریک اوضاع است
اگر ما برخلاف بهترین منافع خود اصرار نمانیم در
غیرهم آوردن اسباب سلب اعتماد ایرایشها از آنها
واقدمات خود. ماچار مام نیک را که تا حال بیان
نمود ما در معاملات با امالی مشرق بود کم خواهیم
کرد، دلایل زیاد برای خوف از این است که این
بی اعتمادی با سرعت نمایان در عالم اسلام در نزایش
است. مطبوعات ایران و قسمت بزرگ از مطبوعات
عثمانی شاهد صادق بر این مطلب اند، بی شک حال
دیگر وقت بر موقع این است که از خودیمان برسیم

که آیا بلژیکی که اسباب بدنامی ما در عثمانی و مصر
و حتی ممکن است مایه سوء روابط با مسلمانان هند
بشود (مسئله که فی حد ذاته ناشایسته و مخالفت با
سابقه احوال و تاریخ ما است) هیچ فایده بحال ما
دارد؟

قراین موجود است که معتقد شویم بر این که
روابط بین دولت هند و کابل کتر دوستانه است از
وقتی که ما اصرار بافغانستان کردیم در قبولی قرار
داد روس و انگلیس. بعبارة اخری ما مقام محکم
خود را در مشرق بخاطر می اندازیم و نام نیک ملت
انگلیس را که روابط وسیعه با شرفانه با اسلام
داشته است نابود می سازیم، برای چه؟ بی شک نه
محض خدمت بایران. زیرا که ما بدبختانه برخلاف
ضایعات مان از استقلال و دوستی ایران شریک در
تجاوزات روس بوده ایم، و به برای هیچ نفی.
زیرا که تا حال کسی نتوانسته است نگوید که
آتریک های ما در ایران یک بول سیاه برای ما
نفع داشته است خواه بلژیکی خواه تجارتی

اساس بلتیث (سرادوردگری) در این مسئله
و در مسائل دیگر نظر می آید محض برقراری
دوستی با روس است برای تحویف آلمان. در
سفامت این قصد که آلمان را با دول (انسانیت)
و متحده دوره بکنند کراراً نوشته ایم این کارکاشتن
تخم دشمنی در محی است که در آنجا باید تاکید
در اتحاد منافع و مصالح نمانیم؛ نرضاً هم حفظ
دوستی روس از لوازم برای ما باشد آیا این بلتیث
که هر تجاوز روس از ایران بگوئیم این هم بالای
سایرین بهترین وضع حفظ دوستی خود مان با روس
است؟ اتحاد بین دو ملت بزرگ باید بر اساس
ملاحظه مصالح یکدیگر باشد، و در صورتی که
یکی از طرفین حاضر نشود تمام نام نیک بی شرف
تاریخی خود را فدای دیگری بکنند از آن اساس
چیزی باقی نمی ماند؛ وزارت خارجه باید بداند که
از دو حقه اتحاد برهم میخورد، و مداومت در
این بلتیث حایه ما در ایران (هر قدر هم ما را
مطلوب در پترسبرگ نماید) مایه طمیان عقاید ملت
انگلیس میشود که بکلی این (انسانیت) را دور بندازد
ایران دیگر در آن حال نیست که مداخله خارجه
(که هیچ وقت لازم نبود) طرف اغماض شود

مجلس اصلاحات عاقلانه اختراع می‌کند و اغتشاشات مایه رو بانضمام گذاشته اند و برای مسافرتین اسباب بی‌اصمیتان است اسرار کردن در مساعد روس در پلتیکی که مایه ممانعت پیشرفت این امنیت و اوضاع است مورت تا است، دست برداشتن از این پلتیک و واداشتن روس که دست از تهدید خود بر استقلال ایران بردارد از تکالیف ماست به فقط نسبت به ایران بلکه نسبت بخود مان !

ترجمه از جریده هتکی اسپانتاتور

(منطبه لندن)

مذاکرات مابین نماینده های روس در طهران و دولت ایران برای پس رفتن قشون روس از قراریکه خبر نگار طهران (ضمس) در تلگرافی که در (ضمس) طبع شد میگوید، به مصر میباید نزدیک نشد که به اشکال غیر منحن افتد. روسها اصرار دارند که بعضی امتیازات بطور علامت دوستی ایران داده شود قبل از آنکه قشون خود را ببرند، یکی از امتیازاتیکه میخواهند امتیاز معدن مس قراچه داغ است، دیگری حق اوتوموبیل رانی در راه رشت و طهران، فراموش نشده است که جندی قبل (سرادوردگری) در مجلس مبعوثان اظهار نمود که روسها متعهد شده اند بروی محض اینکه حضور آنها برای محافظت اروپاییها لازم باشد. لهذا محتاج بتوضیح و اشاره است که این پلتیک مطابقت امتیازات بطور شرط پس بردن قشون چیز تازه است. ومعلوم میشود که امتیاز مرزوره را فقط در عوض احضار یکی از سه دسته قشونی که در ایران درند میخواهند. باین شکل امتیاز خواستن روسها تمدن است دنباله درازی پیدا کند این پلتیک اسباب تانسف قلبی ماست و امیدواریم وزارت خارجه ما آنچه ممکن است میکند، محض اینکه قراری بدهد که از روی عدالت و طرف قبولی ایرانیها باشد، ضمناً از اشخاصیکه بر ضد تعدیات روس هستند و کفایت میکنند تمام این بدبختیها از قرار داد انگلیس و روس است میبرسیم، اگر قرار داد نبود چه میشد؟ بعور دوست رسمی روس انگلیس حق دارد بتدریکه میتواند جلوگیری از روس و از کارهای او نماید، بدون قرار داد این حق را نمیداشت، و وقتیکه

کنترول تجارتی روس بتمام شمال ایران تقریباً تمام بود، باید اعتراف نمایم که اگر قرار داد نبود اقدامات روس در اینکه خود را در ایران جا کند بیش از حالا میباشد، تانسف داریم از اینکه دولت روس بر حسب رسم قدیم و عادت مأوف خویش حاضر است در اینکه وکلای نظامی خود را در خرجه مجبور نماید باو اطاعت نمایند، ولی تکلیف ما و حق ماست که تمام نفوذیها که این قرارداد برای جلوگیری از روس با میدهد بکار بریم

ایران و زردشتیان هند

(ترجمه از روزنامه طمس و منچستر)

(گاردین و غیره)

در محمی در مذاکره واجع بمسئله ایران و زردشتیان هند درهتن (هوایورن) لندن منعقد گردید روز شنبه ۱۰ دعوت مستر ناساراواچی مانکجی کوبر مدیر روزنامه سوم به (لندن اندین کردینگ) مطبوعه در لندن جمعی کثیر از پارسیان هندوستان و ایرانیان و اهالی اروپا در آنجمع حاضر بودند مشیرالملک وزیر ایران، غفارخان نایب اول سنارت، و سر جورج رود وود از جمله حضار بودند

مستر کوبر که ریاست مجمع را داشت گفت که پارسیان هندوستان در این اواخر توجه و آتر و افری واجع بامور ایران نشان داده اند و در این خیال اند که بار دیگر ایران را خانه خود قرار دهند، این جنبش در بمبئی بیست سال قبل شروع گردید و عقیده اش بر این بود آئینه بسیار با شکوهی در ایران برای زردشتیان هست اشکال این است که پارسیان هند بیشتر براحتی زندگی می کنند بهتر توتیب شده اند و بیشتر تحصیل ثروت کرده اند، با هم مذهبانشان در ایران و پارسیان هند در کت بحال زردشتیان ایران خیلی کم اقدام کرده اند. خیلی از پارسیان هر سال باروپی می آیند و بیش از هزار ایره خرج مسافرت مینمایند و حال آنکه مساعداتشان به زردشتیان ایران در سال بسبب ایره نمی رسد. پارسیان قاید بزرگی میخواهند همانطور که (بوکر واشینگتن) در آمریکا برای زنگیان بود، و مستر کوبر متوسل بیارسیان هند شد که همراهی و کمک بکنند زردشتیان ایران را

۱ وزیر ايران در ضمن نطق خود اظهار خوشحوقی نمود از حضور در آنجمع که ملاقات از زردشتیان کند که آتدر محبوبالقلوب ايرانيها هستند و اخلاق و صفات نيك آنها را آههه در ايران می‌بسنند، ولی خیلی اظهار تعجب و تاسف نمود از اینکه پارسين هند هيچ بوطن اصلی خود مسافرت نمی‌کنند و گویا پیش از يك دو نفر در ايندت نرفته اند، این است که زردشتیان هند اطلاعاتشان از اوضاع ايران خیلی ناقص است اگر مسافرت ايران می‌کردند بعقیده وزیر ايران بسی فوايد برای طرف حاصل میشد. اولاً خودشان می‌کردند حال و مقام زردشتیان ايران را و میدیدند چه قدر ايرانيها آنها را دوست می‌دارند. درمیان معتبر ترين و محترم ترين صرافان و تجار ايران هم مذهبان خود را میدیدند و بز ملاحظه می‌کردند که زردشتیهای ايران را حتی داخل اسرار و داراشورای ملی نموده‌ام، زیرا که زردشتیها بايد در مجلس ملی ايران دارند و آن اعتباری است که هيچ يك از جماعتی ديگر ندارند.

۲ سبب این چیست . سبب این است که ما شاه اعتماد داریم وشاهرا از خودمان جدا نمی‌دایم و برای آنکه آتدر محبت و سمب آن جماعت شاه داریم اگر پیش از آنچه قصد داشته میگویم امید بود و دارم ولی این مطالب بقدری مهم است که از اظهار این نکات خود داری نمیتوانیم، حالا بیاید وبصورت اسامی تجار خارجه که بايران تجارت می‌کنند نگاه کنید، گمان دارم خیلی کم بلکه هيچ اسم پارسى را نخواهید دید، شاید بعضی‌ها باشند نه بطور غير مستقیم با ايران تجارت می‌کنند ولی زردشتی را که بطور مستقیم تجارت بکند میدانم و این اسباب منتهایی ناسف است، در صورتیکه میان هموطنان من ميل زياد بمعامه با شاهها هست گویا لازم نباشد به اینکه بشما مختصر تاريخ وقوعات اخيره ايران را بدهم، از شورش زرگی که ما داشتیم وگذشت مطلع هستید بدون اینکه خواسته باشم بچه خود را داخلوش کم یا تعريف بجا نموده باشم میگویم که برای آتیه همه نوع امیدواری هست، اهل مملکت ما پارلمان ما و دولت ما پر از شوق و تصميم اند که اصلاحات

نماید و اسباب ترقی مملکت ورفاه حال اهل ايران را فراهم آورند و مملکت ايران جناحه میدايد هنوز بطوریکه باید آباد و ثروت طبیعی آن کشف نشده و در این خط خیلی باید اقدام بشود در آنچه هم برای مسابقت های پارسيان میدان وسیعی است، ولی چنانکه گفتم باید خودتان بروید به ايران ببینید چه میتوانید بنائید، اگر بايران بروید با کمال تعجب خواهید دید که هم‌مذهبی های شما در آنچه يك دارالتربیه صحیحی که قابل شاه باشد ندارند و يك دانه مريضخانه هم ندارند و حال آنکه چندین مدارس و مريضخانههای اروپائی است که خود اروپائیها ساخته و نگاهداری می‌کنند در هر حال مجمع امروز امیدواری میدهد که در آتیه تلافی خواهد شد

۳ سر جورج رددوود در نطق خود گفت وقتی که در ۱۸۵۵ در هندوستان بودم پارسيان گفتم اگر میخواهد بناید که از بودن در تحت حکومت دولت انگليس بیده برده‌اید باید کاری برای ايران بکنید، برای پارسيان تربيت شده فرصتهای بزرگ در ايران هست خوش داشتم در هند پیش از آنچه لازم بود، در ارضای بیم ولی پارسيان خوب پیش میرفتند، و باعث این عدم اقدام در ايران بی‌خیالی و بی ملاحظه‌گی پارسيان میشی بودید، زیرا که آنها خیلی راحت وراضی از روزگار خود بودند . من خیلی اصرار به پارسيان کردم که بروند بايران و ببینند چه قدر برادران زردشتی آنها عقب مانده اند نسبت به تاريخ گذشته شان و بروند و يك کاری برای پارسيان ايران بکنند بشکرانه فوایدی که از حکومت انگليس برده‌اند، حال که می بینم این جایش شروع شده خوشوقتیم و امیدوارم بطوریکه وزیر ايران بصيحت داد پارسيان هند بعد از این پیش از سابق ما را رفته و پیش از آنچه تا حال در حق برادران خود کرده اند بکنند!

۴ نثار خان نایب اول سفارت در طی نطقی که کرد گفت! پارسيان هند بواسطه صفات ستوده که دارند خود را در ف محبوبیت و پسند عالم داشته‌اند ولی تا حال دو قصور بزرگ نشان داده . اول آنکه زبان ملی قشنگ تاریخی خود را از دست داده . فراموش کرده اند، در حالی که تمام عالم زبان پارسى را شپرين و مطلوب می‌شمارد، در این

قرن حابه که احساسات ملیه در همه نقاط کره ارض در غلبان است و ملل و طوائف عالم بهر يك از علامت كوچك امتيازات ملی خود باحد تمام می جنبند و در صورتیکه زبان بزرگترین و اول علامت تشخیص ملیت و اساس بقای ملیت است در همچو قرن و همچو حال این قسم تصور مایه خیل تاسف و تعجب است !!

❖ تصور دوم آنکه اگرچه پارسیان هند با ثروت و ترقیات پریشان متمم اند مساعدتی که قابل ذکر باشد در راه ترقی برادران زردشتی خود در ایران نکرده اند بهترین طریق در ادای تکالیف به هم مذهبیان خود و نمودن عشق بوطن اصلی این است که زردشتیان هند نمایندگان از طرف خود با ایران فرستند که اوضاع را محل ملاحظه داشته به پند چه اقدامی مفید تر است در کمک به برادران مذهبی و اتفاق با برادران مسلم خود که در صدد تلاش اند که هر چه ممکن است از جبروت و ترقیات گذشته مملکت کیان بدست آرند بنمایند ! اگر سابق پارسیان هند عذری داشته حال با درجه محبوبیتی که در ایران دارند هیچ جای عذر برای آنها نماند ! دشمنی های مذهبی که در قرون گذشته در تمام عرصه طریق تمدن و سنگ عالم انسانیت بود خوشوقتم بگویم در همه جا رو بزوال است ، با سرعت تمام . ایران ناچار و بیشك خود را به پایه ترقیات ملل دیگر خواهد رسانید ، فقط اقدامی که ایران در حصول این مقصود لازم دارد بکار انداختن و فایده بردن از ثروت های طبیعی بی اندازه خود است و حال که ایرانیان خود را از قید و بند امتداد (که آنها را قهرها بود در زنجیر کشیده بود) آزاد کرده اند با کمال اطمینان میتوانم بگویم با وجود اشکالات مصنوعی که برای آنها تراشیده میشود ثروت های طبیعی خود را بکار برده بهره ور خواهند کردید و راه های ترقی و ثروت از هر طرف بروی آنها باز خواهد شد .

❖ ولی اگر پارسیان در این موقع هموطنان خود را در تلاش بزرگی که در پیش دارند تنها بگذارند تاریخ در آتیه به عالم خواهد گفت که شوکت ساسانیان با ایران در اتفاق پارسیان برگشت .

❖ مستر گرشاسب که در خدمت دولت هند و

و تازه از ایرات آمده در نطق خود اصرار بیارسیان کرد که بروند ایران عوض اینکه وقت و پول خود را در اروپا صرف کنند و هدر بدهند ! اوضاع در ایران بکلی تغییر یافته و در هر نقطه ایران اثرهای زیاد از ترقیاتی که در این چند سال اخیر شده هویداست و بعد راپورت منصلی از حالات و اوضاع زردشتیان ایران خواند !

❖ حادثة مترقبه بنادر ❖

❖ تقریباً نه ماه قبل از این هنگامی که جناب دریاییکی بسرکشی بنادر و رفع آشوب جاه بهار رفته بودند | میر برکت خان بلوچی | که امواتش غارت و خانه خراب شده بود باشاره و خواهش انگلیسها گرفته و با خود به | بندر عباس | آورد سپس مخدعان به تنهائی او را | بجهاز برس پلیس | طلبیده روانه بوشهر نمود ، قریب هشت ماه در بوشهر شبیه به تحت الحفظ زیست نمود ، هر چند متوسل با وایسای امور شد و کتبا تلگرافاً نظم و داد خواهی نمود نتیجه بطهور رسید و فریادهای او بی جواب مانده لذا در هنگامیکه حکمران علی الظاهر مجلوگیری انترار تنگستانی رفته بودند و محافظت و مسئولیت حفظ وی بگردن نایب الحکومه یا نائب مناب بود شب هنگام با یک نفر نوکر بلوچی خود با بلوچی ساحل خلیج را امتداد سفر و راه چابهار را در پیش و سریعاً خود را بحوالی بندر عباس و جاها رسانیده هیچکس این جرئت و جسارت را در وجود میر برکت حدس نمزد ، و یقیناً اگر حاضر جمع نبود چنین اقدامی نمی نمود ، خاصه آنکه راه گریز منحصر به حوالی تنگستان و اردوگاه جناب حکمران بود . ظن غالب اهالی بر این است در این حرکت میر برکت خیل برکت برای ۰۰۰۰۰ حاصل گردیده است

❖ این قضیه و خبر انتشارش بندر عباس و مناب توأم با باعث بر این شد که جناب حکمران هنوز از جنگ تنگستانها خلاص نشده و دمی استراحت نکرده با زبان روزه مامور حرکت به عباسی و بلوچستان گردد ، روز ۱۷ شهر حال با جهاز برس پلیس و یک صد و شصت تنگچی و متجاوز از یکصد صندوق آذوقه و ماکول و غیره بست مقصود رهسپار گردید ، بقصد جمع عقلاء و علماء این اغتشاش دائم و آشوب مسلسل لازم و

معلوم است که حکومت است

لا تا بوده چنین بود و تا هست چنین هست ()
 تا بحال در هیچ يك از این معارك مقدمه
 صحیح و علامت صحت ندیده ایم و هیچ کدام
 برای خبر دولت و صلاح مملکت و رفاهیت
 ملت واقع نشده با کمال مظلومیت و صداقت فریاد
 میزنیم که حبله و خدعه محرك اصلی این واقعات و
 حادثات بوده و طشت رسوائی هر يك از بام افتاده
 است، حتی اطلس و ساء عالم این حبله و فریب
 کاری شده‌اند، هیچ حادثه نیست که پیشاپیش
 همه آنها ندانند از اینرو نمی توان هیچ حادثه را
 غیر مترقبه نامید بلکه همه نتیجه مقدمات حبله و
 خدعه است -

که انجمن بلدیہ بوشهر بعد از ایسکه همه چیز نافع
 نائل نیامد و دست خائنین را کوتاه نمود بیکار شده
 و کاری جز عمره گذاشتن در بجانها ندارد، این ایام
 مشغول عمره گذاشتن منازل و تعداد خانه هاست، در
 جلسه آخری که جناب حکمران تشریف فرما
 شده بودند بواسطه آنکه به معنی باش نهاد های
 حکومت اعتنا نکرده بلکه اعتراض نموده بودند
 که دورتی بین انجمن و حکومت واقع گردیده است
 نیز جناب آقا میرزا محمود خان که سابقاً مترجم
 بانک شاهنشاهی در شیراز بوده برای ریاست مایه
 بیادر مامور و همین روزها وارد خواهد شد -
 اگر آنکه مانع پیشرفت امورات بلدی است عائق
 خیالات و اعمال وی نگردد مفید خواهد شد و گرنه
 همانست که بوده و دیناری مالیات بدولت
 نخواهد رسید

در بوشهر چنین شیوع دارد که عین الدوله نیز
 از حکومت فارس استنکاف و استعفا خواسته تا
 بحال معلوم نیست بجای وی کی منصوب خواهد شد،
 اخبار طهران خیلی کم میرسد گویا طایر جراید را
 پر بسته و راه آمدوشد در بسته اند، مشهور است
 فرمانفرما نیز از وزارت داخله استعفا و بجای وی
 جناب ونوق الدوله بوزارت داخله منصوب شده اند
 جمهوری بر تکال

(یا قوت آزادی خواهان)

۱۰ اکتوبر سیم تلگراف بین لندن و لسن

مقطوع و در لسن بلای بلوا بالا گرفته و قصر
 سلطنتی بقبضه بلوایان درآمده، از جہازات جنگی نیز
 بر قصر سلطنتی شلیک و قشوق بری و بحری نا
 بلوایان متنقاند پادشاه (منول) مقید و علم شاهی را
 از قصر فرود و علم سبز که علامت جمهوری است
 برافراشته اند

۸۰۰۰ دهاقین مسلح وارد لسن شده نشان
 جمهوری را بر جہازات جنگی افراشته جمهوری
 خواهان (مادرید) نیز از انقلاب لسن خوشحال و
 انجمنهای خود را زیات میدهند و عقرب در اسپانیا
 و یونان نیز بیرق جمهوریت بلند خواهد گردید ما
 هنوز اندر خم يك كوچه ایم

اواچیکه طرفدار سلطنت بودند در میدان
 (دون بدرو) آمده با جمهوری دلبان ملحق و
 شورشانان استقبال نمودند، گرفتاری پادشاه منول
 محقق نیست و از حاش ادلاعی کامل نه، بعضی را
 کهن این است که به معیت والدشان بر جہاز انگلیسی
 سوار شده اند

سفیر دولت انگلیس چنین خبر میدهد که جماعتی
 از قشون دواتی خویشتر را به جمهوری خواهی
 اعلان داده و تمام شب جنگ بود علی الصباح کاندان
 اردو هم با شورشیان ملحق گردید و اعلان سلطنت
 جمهوری داده شد، فعلاً حکومت موقتی مرتب
 شده است، اینکه افواه بود که پادشاه منول در
 (مفرات) و ملکه و دختر شان در کاسکیس هستند
 به تصدیق نه پیوسته

جہاز جنگی انگلیس (نیوکاسل) بحاب -
 رهسپار گردید و ظاهر داشته که محض حفظ رمای
 انگلیس رفته است

ذهاب و ایاب در لسن شروع شد، عم جمهوری
 در مقامات مختلف افراشته شد، حکومت موقتی نیز
 قائم گردید رئیس (سگنور براکا) مقرر شد،
 سپاهیان در شوارع بگردش اند

سفیر اسپانیا با نائب خود با سردار جمهوری
 ملاقات در تالار بزرگ نمود

موقتاً وزرا بدین گونه قرار یافتند

وزیر عدالت - سنور کوسنا

وزیر خارجه - سنور میشادو

وزیر مالی - سنور تیلیس

وزیر تعمیرات - سنور کومبیل

وزیر جنگ - جنرل باریتو

وزیر داخله - سنور المیدیه

وزیر بحری - سنور ادیوید و کومبیس

حاکم لسبن - سنور ایو

§ بنیر از مقام (پیررواوستیوبال) جا ملی دیگر فسادى نشده است

§ از اسبایا خبر رسیده که قشون اضلاع برای مک شاه منول روانه گردید

§ (سنور براگا) در قشون بری و بحری اعلانی فرستاده که سلطنت جمهوری برای هر فرد است هر افسریکه شرکت در بلوا نموده بر عهده خود حاضر و اصاعت او امر حکومت را اختیار نماید پذیرفته خواهد بود. انقلابیون امنیت را قائم نمودند

§ از جیل طارق خبر رسیده که جہاز دولتی ساعت ۱۱ وارد و ملکه با شاعراده الفسو را حامل است. منصرف حکومت بر جہاز دولتی بملاقات رفت

§ عموم اهالی جمهوریت را پسندیده - مقتولین فقط (۲۰۰) نفر بشمار آمده اند - امیر البحر (ریس) که سر کرده انقلابیون بود - از سهو کینان جہاز جنگی که حکم سی شلیک داشته و سه شلیک بیش نه نمود این امر را دلیل بر ناکامی پای داشته خود کنی کرد

§ سنور (براگا) بریاست جمهوری منتخب و به محیر روز اظهار داشت که این انقلاب جمهوری شیبه با انقلاب دولتین عثمانی و برازیل و مطابق است با خیالات فلسفیه - پادشاهان خاندان (براگاندا) بمقتضای وقت نتوانستند رفتار نمایند - ولی یقین دارد که آینده حالت مملکت مستحکم و ترقی ملک و ملت را خواهد شد

§ جراند آلت (تاکس زیننگ و ریچسبوت) دولت انگلیس را در شورش پورتگیز بدنام

نموده میگویند که دولت انگلیس همراهی با انقلابیون داشته است. و قابل سلطنت را مجبور به آمدن جیل طارق نمود.

§ حکومت پورتگیز در صدد تشکیل پارلمان و معافی قیدیان پلتیکی را منظور نموده است

§ پادشاه منول باملکه شان بر ساحل جیل طارق فرود آمده با حاکم آجا طعام تناول نمود و میان حکومت خواهند بود.

§ (سنور براگا) در یکی از قصرهای شاهی متوقف است

§ افواه است که پادشاه منول و ملکه شان قصد رفتن انگلستان را دارند

§ تمام مستعمرات (پورتگیز) سلطنت جمهوری را منظور نموده اند

§ سفیر آلمان که در پرتگیز بود و در رخصت رفته بود حکم معاودتش رفت

§ بموجب خبر جیل طارق پادشاه منول قبل از هجرت از پورتگیز به سنور (براگا) خطی بدین مضمون نوشته که وی همراه با خیر خواهی و دیانت کارهای سلطنتی خود را انجام داده و همیشه پرتگیزی خواهد بود. هجرت مجبوری وی از این مملکت نمی نمایند که دست بردار از سلطنت شده است

§ پادشاه انگلستان حکم داده که جہازات دولتی و کتوریا و البرت در جیل طارق رفته پادشاه منول و ملکه اش را در انگلستان بیاورند

§ از لسبن خبر رسیده که (برازیل) سلطنت پورتگیز را به جمهوری شناخته است

§ روزنامه (وندشو) می نویسد که اگر دولت انگلیس دم ازدوستی دولت آلمان می زند باید بموجب عهدنامه انگلیسی و آلمانی در سنه ۱۸۵۸ مستعمرات بر باد شده پرتگیز را فیمابین تقسیم نماید

§ بموجب تلگراف (لسبن) (سوپررلند) پرتگیز را بسلطنت جمهوری پذیرفته است

این بود خلاصه تلگرافات راجعه بانقلاب پرتگیز

انگلیس (بریتانیا) این گونه انقلابات را بخوبی
 بخود دیده ولی این واقعه غیر مترقبه را درسیاسیات
 اروپا خالی از اهمیت نمی توان شمرد. امروزه در
 هر انقلابی که در اروپا و آسیا پیش آید دستهای
 پلنتیکی دو بهلوان سیاست یعنی انگلیس و آلمان را
 شامل باید دانست. آلمانیها انگلیسان را منیم نموده
 می گویند که در انقلابات (لیسن) دست آنها
 درکار بوده است ولی رموز دانان چنان تصور
 می کنند که سبب انقلاب (لیسن) همانا آلمانیها بوده اند
 چه انگلیسان با پادشاه حایه و خانواده او از دیرباز
 ساز موافقت می خواستند و اینک نیز که پادشاه (نول)
 و فین بایکستان را بقاط دیگر اروپا ترجیح داده
 خود دلیل بر این امر است و عدم حضور سفارت
 آلمان در این موقع اهم در (لیسن) ارشاه
 کارهای پلنتیکی است و نیز تلگرافیکه چند هفته قبل
 اشاعت یافت که امپراطور آلمان پادشاه (نول) را
 دعوت به (برلن) نموده و حدک مصوعی را
 بار خواهد نمود و این ملاقات را اهمیت داده
 بودند برای بی گم کردن بوده است هر حال
 جمهوریت (بریتانیا) انقلابات تازه اروپا را مقدمه
 شناخته میشود و همچو تصور می کنند که رودی در
 (اسپانیا) و سایر نقاط اروپا بتدریج جمهوریت
 کس عمومیت خواهد نمود هرگاه جمهوریت (بریتانیا)
 ثبات و قوام حاصل نماید تقسیم مستعمرات او که
 اینک موضوع بحث حراید برلن و مدن است صورت
 نتواند بست و سرعت (بریتانیا) که با مستعمراتش
 یک دولت بزرگی بشمار است عصمت اولیه خود را حاصل
 خواهد نمود ولی هرگاه انقلابات داخله او دوام کند
 لامحاله مقاصد ره بایش در تقسیم مستعمرات وی قوت
 خواهد گرفت. هر حال عقیده دانایان اینست که
 کمتر از بیست سال تمام سلطنتهای اروپا تبدیل به
 جمهوریت خواهد گردید در صورتیکه مشروطیت
 آسیا نضج سگرفته باشد و همین سکنه باز سبب تقدم
 اروپاییان شناخته خواهد شد. بقیده ما جمهوریت

(بریتانیا) اهم بر اینکه پایه ائتلاف آلمان
 انگلیس یا ائتلاف آلمان گردد مجبات عدیده ابرایا را
 حاصتا و آزادی طلبان را عموماً نافع خواهد بود
 مشروط بر اینکه ایرانیان واقف بشکات سیاسی بوده
 ابواب جلب منافع خویش را بشناسند و ره در
 صورتیکه عالم را آب و طارا خواب رده باشد. ره
 انقلابی بجای نفع زیان خواهیم بود

تلگرافات

(۲۵ رمضان - ۳۰ سبتر)

§ (دیلی نوز) می نویسد که کابینه وزرا مشهریه
 وکلاء پارلمان نظر نموده و سالانه (۳۰۰) لیرا امضا
 داشته است .

§ سفرای [ویانه] و [روم] [بیرن] برمهال و مارکویس
 سانگولباتو در (تورین) مجلس داشته سپس در
 (رر کوکوگ) ملاقات پادشاه رهسپار شدند -

§ قانون حکومت (کوریا) در (توکیو) رساله
 اشاعت یافت - بموجب قانون مذکور فرما فرما
 اختیار وضع قانون را خواهد داشت مشروط به
 امضاء امپراطور و رئیس الوزرا و مجلس واضع آئین
 (حرل ناروشی) سمت فرما فرمائی منصوب گردید

(۲۶ رمضان - اول اکتوبر)

در | مسیو اسوالسکی | سفارت دولت روس در
 پاریس منصوب گردید

§ امیلی حضرت حارج پادشاه انگلستان امروز ما
 (لاردر ماردیگ) ملاقات کرده نشان (ی. ی. سی)
 آئی. ای. وحی. سی. ایس. آئی را بایشان مرحمت
 فرمود

§ مخبر (رونو) از (پیکن) خبر میدهد که (۵۰۰)
 نفر قشون سرحدی مای شده و آنها را پیروان
 (لاما) مدد می کنند. و بر شهر (چینگ تین) طرف
 شمال متصرفی (پون) قبضه کرده. فوج از
 (ینگ لینگ ولی کینگ) مدابجا همت میکند

در اعنشاش (برلن) وقایع نگار اغلب جرائد

مجرور شده اند و در این خصوص سزای دولتی
انگلیس و امریکا در اداره خارجه معاذیر پیش
کرده اند چه رئیس پلیس از سزا دادن مجرمین
پلیس ابا نموده است -

§ مخبر (روتر) از (ستیدن) خبر میدهد که اهالی
(البایا) از ظلم سرمازان عنانی بستوه آمده دارند
در (جبل اسود) فرار می کنند -

(۲۷ رمضان - ۲ اکتوبر)

§ رورنامه (الجیب زیتک) می نویسد که در
ملوای مزدوران (ران) فرقه (سوشیالیست)
بیز شرکت داشته از این رو حکومت ما بلوآنیان با کمال
سختی پیش آمده است

§ شعبه المحسن جرائد خارجه (ران) محصور
رئیس الوزرا شکایت کرده که رای رئیس بطمیہ
در این باره غلط است که با وقایع نگاران جرائد
که در مقامات بلوا حاضر باشند سعی که ما بلوآنیان
سوک شود با آنها هم رفتار خواهد شد -

(۲۸ رمضان - ۳ اکتوبر)

§ يك از جهاز که حامل (۱۰۷) خلاصی چهار
جنکی انگلیسی بود و در دریای (هدس) واقع
(یو یارک) بطرف دسته جهازات جنکی رهبار
می شد غرق و (۶۱) مر فقط نجات یافتند -

§ مخبر (روتر) از (مادرید) خبر میدهد که
برخلاف حکمت عملی کتیشان حکومت مجلس عالی
مدفد و مورت اعتشاش کی در (مادرید) وبعضی
حمای دیگر گردید - بسیاری مجروح و پلیس
دست بشمشیر رفع ازدهام نمود -

§ مخبر (روتر) از (پیکن) خبر میدهد که
ماب السلطنه امروز محبتین افتتاح پارلمان دولت چ را
نمود در الحلق اظهار داشت که این پارلمان زمان گویی
رعایلس و این اولین قدم است بسوی سلطنت قانونی
و در آتیه امیدواری میدهد ترقی مملکت را و میتوان
گفت که مملکت چون هم با ترقیات سایر دول همقدم
گردید و فعلا این پارلمان مشغول با اصلاحات خواهد
بود نه وضع قوانین - ولی رعایا بسیار خوشنود اند
ام اینکه اکنون شالوده سلطنت قانونی نهاده شد -

(۲۹ رمضان - ۴ اکتوبر)

§ جرائد انگلیسی بر افتتاح پارلمان چین اظهار
مهرودی مینمایند

§ در (صوفیه) در ماه (شلیح) قدم نهادند
(مسکو) سرمازان عنانی بر فوج سرچیدی (بلغاریه)
حمله کرده يك از سپاهیان (بلغاریه) مقتول تدارک
شروع شده تا محقق شود زیادتى از کدام طرف بوده است -
(اول شوال - ۵ اکتوبر)

§ مخبر (روتر) از واشنگتن خبر میدهد که علاوه
بر دو فروند جهاز جدی - اداره بحری به مجلس
کاسگرس امریکا خواستش تعمیر دو کشتی توب خواهد
نمود که در دریاهای چین بکار آید

(۳ شوال - ۷ اکتوبر)

§ مخبر (روتر) از (سنراسکو) خبر میدهد
که (فونک) چینی که عضو انجمن انقلابیون است
وقتی که (ریولور) حایل میکرد گرفتار شد و اقرار
نمود که برنس (سایسن) را میخواست بکشد
(۴ شوال - ۸ اکتوبر)

§ (سامی پاشا) خبر میدهد که در جنگ (هوران)
قشون وی قانع و بسیاری از فرقه (دروس)
گرفتار شده و بقیه آنها در قتل جبال فراری
شده اند

§ (مستر روزیوات) مشغول سیر اضلاع جنوبی
است و در هر جا با کمال تجمل و احتشام پذیرائی
شده و ما منتهای جلالت نطق میکند

§ مخبر (روتر) از (بارسیلونا) خبر میدهد
که (۲۰۰۰) مردوران معادن زغال برقی (فیبر)
قتیل وطن گادسته های گل شار کردند
(۷ شوال - ۱۱ اکتوبر)

§ در (کینیا) قاضی یومای که مقرر شده و
دولت عنانی عذر می نمود در جواب آن دول
محافظ (کریت) نوشته اند که این امر مخالف
قانون سنه ۱۹۰۷ نیست و مورت هیچ هرج و مرج
نمی تواند شد ، مابده دولت عنانی از این جواب
مطمئن نشده و میگوید که بابعالی هرگز قانون سنه
۱۹۰۷ را منظور نکرده است

§ مخبر (روتر) از (اسلامبول) خبر میدهد
که رعایای جنوبی (هوران) تسلیم شدند، منظور
است که در جنگ (دروس) تلفات فرقه (دروس)
(۴۰۰) و ارعنانی (۳۴) نفر هلاک و (۳۹)
نفر مجروح است ، (سامی پاشا) بطرف (شیا)
که مستحکمترین قلعه باغیان است نهضت کرده

- (قیمت اشتراك)
- (سالانه — شش ماهه)
- (هند و برمه)
- (۱۲ روپيه — ۷ روپيه)
- (ايران و افغانستان)
- (۴۰ قران — ۲۰ قران)
- (عمانی و مصر)
- (۵ مجیدی — ۳ مجیدی)
- (اروپا و چین)
- (۳۰ فرانك — ۱۶ فرانك)
- (روس و تركستان)
- (۱۰ منات — ۶ منات)

مطالعه هر شماره از این مجله در هر دو روز یکبار
(مصلحتی را که این مجله برای عموم مردم دارد)
(ضمناً قان به عنوانه مجله)

▶ نامه مقدمه ◀

الماتین

▶ سنه ۱۳۱۱ ◀

▶ مراسلات مخصوصی بدون امضای ▶

(معروف اداره درج نمیشود)

(مجله الماتین)
(مطبوعاتی کالج استریت فورم)

HAHLUL MATIN OFFICE
4, NARAYAN COLLEGE STREET
CALCUTTA.

- (کلیه امور اداره با)
- (مدیر کل مؤیدالاسلام است)
- (هر دوشنبه طبع)
- (و سهشنبه توزیع میشود)
- (سه روز شبانه)
- (۲۰ شوال اسکریم ۱۳۲۸ هجری)
- (مصادف با)
- (۲۴ اکتوبر ۱۹۱۰ میلادی)

▶ در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود ◀
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزاحت)

▶ یادداشت دولت انگلیس بدولت ایران ◀
تلاکرافات این مقته ظاهر میدارد که دولت انگلیس یاد داشتی بدولت ایران پیش نموده است ، اگرچه عنوان این یاد داشت رسماً ظاهر نگردیده ولی رؤس مواد آن از تلاکرافات روتر و وقایع نگار طمس تا درجه چنین معلوم میگردد که مبنای این یاد داشت در اغتشاش جنوب و مواد آن این است که در مدت سه ماه اگر دولت ایران جنوب را امن نموده ده نفر افسران انگلیسی وارد خلیج و قشون از ایرانیان ترتیب و اگر ضرورت پیش آید قشون از هند نیز داخل جنوب ساخته امنیت را قائم خواهند نمود ، و هندوستان ابداً مشغول این اقدام نیست ، یعنی مصارف این تشکیلات با ایران متعلق و صدی ده بر کرکات جنوب افزوده مزایای آنهم از کرکات فارس گرفته خواهد شد

(مفهوم این یاد داشت)

آنچه از این ضمیمه مفهوم میشود دولت انگلیس بر حسب معاهده پارس و تقسیمات جغرافیائی ایران میل دارد که در منطقه قوه خود باسم امنیت دخالت نماید ، و فعلاً حکومت هند را ازین دخالت علیحده داشته باصول دخالت مستمر آن

پوشین کالونی قائم خواهد شد و تجزیه این کالونی را از سایر قطعات ایران نیز مصمم گردیده ، بدلیل اینکه میگوید هرگاه صدی ده اضافه کرکات کفایت مصارف این نواح را نماید حصه از کرکات فارس مزید بر آن خواهد گردید . یعنی این اضافه مخارج را مخصوصاً از کرکات فارس خواهد گرفت و همین وسیله مالیه فارس از کلبه ایران تجزیه خواهد شد ورنه باصول مأخوذات شاهنشاهی که امروزه جاری است خصوصیت فارس ممکن نیست و این خود اولین قدم در تقسیم ایران و تشکیل ملوک طوائفی است و همین نکته که در تلاکرافات تشریح شده که ده نفر افسران انگلیسی راه بوشهر تا اصفهان را امنیت خواهند داد نه تنها این قسمت ایران را از مرکز مجزا نموده بلکه سه تشکیل طوائف الملوک در جنوب داده ، که دومی در کرمان و بلوچستان و سومی بنادر و جزایر خلیج فارس باشد ، و تشریح میکند که این ده نفر افسر فقط برای بوشهر تا اصفهان است یعنی ربطی به بنادر و جزایر خلیج فارس و کرمان و بلوچستان ندارد ، همچو مستفاد میشود در صورت ضرورت برای هر یک از این دو صوبه هم علیحده انتظام خواهد شد (ضرورت خود آورد هم دشوار نیست) چنانچه واقعات ناگوار کرمان و بندر عباس و جانشک و بلوچستان مقدمات این ضرورت را قبل از وقت فراهم کرده است

(مقصود دولت انگلیس ازین یادداشت)

ظنات سیاسیون در این باب مختلف است - برخی را عقیده این است که چون دولت انگلیس از اخراج قشون روس مابوس گردیده ناچار ترک مسلك عدم مداخلت گشته بدحالت منطقه نفوذ خویش قیام نموده تا کهرش کم از کبود باشد و دلیل شان این است که حکومت جدید در اخراج قشون روس مخبرات لازمه کرده مابوسه ساکت شده است و جناب سر ادوردگری وزیر خارجه انگلیس از سه سال باین طرف تنها مسلك عدم مداخلت خود را ایقان داده بلکه از حرف روسیان هم قائل هیچ گونه مداخلتی نبوده است - برخورا عقیده آنکه دولتین روس و انگلیس این یادداشت را به مشوره یکدیگر به ایران پیش نموده و عرض حقیقی - اخراج قشون روس است ، چنانچه در تلگراف وقایع نگار طمس چنین امید میباشد که روسان هم همین مسلك را در شمال اختیار نمایند یعنی قشون خود را از ایران بیرون برده بذریعه فسران خویش و قشون ایرانی مامور خودشان را امسگه دارند ، چنانچه در تلگراف دیگر اشاره بر این نکته شده صاهر داشته است که دولت روس ز چندی مابطرف مصمم در اخراج قشون خود میباشد ، و توقشان بملاحه بی مره گپهای حکومت است ، و امید کرده اند که به اراز حیثیات حسنة مجلس نسبت به روس حل این مشکل گردد - گروهی چنین می پندارند که دحالیهای عثمانی در سرحدات ایرانی به اشارات سری آمانت شناخته شده سبب اینگونه دحالیهای روس و انگلیس و علت الملل قیام قشون بیگانه در ایران گردیده است و پیشقدمیهای بیج ساله عثمانی را دوسرحدات ایران نبوت قول خود گرفته میگویند که دولت عثمانی در کرمانشاه و ساوجبلاغ محافظ برای قوسلحانیهای خود فرستاده و حال آنکه این حق در ایران از خصایص روس و انگلیس شناخته شده است (ظنات ما)

نشمه از تاریخ این واقعات را در ذیل تلگرافات روتر راجع بایران اشاره نموده ایم ، و خلاصه اش این است که دولت انگلیس محض جلوگیری از نفوذ آلمان در وسط آسیا اتحاد با روس نموده و روسیان هم برای بر کردن جا حالی خسارات اقصای شرق و نزدیک شدن به خلیج فارس و هندوستان موقتاً به این

تقسیم جغرافیای ایران و تقسیم سرزمین آن سکن که این معاهده دولتین امضا یافت بدون مطلع بنای دخالت مسلحه در شمال گذاشت ، دولتین استقلال ایران را بدین شروط خواستگاریند که دولت ایران با هیچ دولت نائی عقد معاهده اقتصادی و سیاسی نه بندد ، و هیچ گونه امتیازی در داخله مملکت خود جز به روس و انگلیس ندهد و هیچ منشاری برای اصلاح مالیه و قشون و ادارات عبر ازین دو همسایه نگیرد و تشکیل هیچ کابینه جز بموسی آنها شود و تعیین هیچ حکومتی جز برای آنان نگردد ، دلیل بر این ظنات همانا یادداشت هایت است که متواتراً از جناب دولتین بایران پیش شده ، جمله به وزارت صلیح الدوله و غیره و خواهش عزل مخبر السلطنه و امیر اعظم و یادداشت های دولتین در منع استقرار از حرحه و اصرارشان در گر قترقرضه توام از دولتین و شدت آنها در منع دادن امتیازات بدولت نائی و یادداشت اخیراً شان در تهدید ایران در جلب مستشار از دول بزرگ و حله که در تلگراف روتر به کابینه موحوده شده و ریشمندی که از وکلای مجلس نموده اند ظنات ما را با یقان میرساند ظاهر است که چنین استقلالی که دولتین برای ایران خواستگاریند امیر بخارا و امام دکن نیز از آن عار دارند ، ملی شیر بی دست و سر و اشکم که مثنوی اشاره بر آن نموده همین استقلالی است که دولتین برای ما حسته و برخی از ناآشنایان سیاست مان نیز بدان خوشوقت وقایع گردیده اند ، اینگونه استقلال هفت است که امپراطوری کوریا را بعد از شکست روس ژاپون اعما فرموده بود و نیز سازگی نتیجه اش معلوم گردید ، از یک طرف بایطرف که شمشیر ها تلاف و قلم ها بجای آن کار میکنند ، ملک گیری و دحالی های سیاسی نام خیرخواهی و اصلاحات و صیانت تجارت و سیاست تبدیل یافته است و لفظ عدم مداخلت را دحالی معنی کرده برای هر اقدامیکه می نمایند یک بهانه سیاستی و تجارتی پیش نموده هر اران قسم های پلیدی هم بر عدم دخالت خود یاد می نمایند

روسیان هنوز اقدامات خودشان را در ترکستان دخالت نگرفته اصلاح نام نهاده امیر بخارا را مستقل میخوانند انگلیس هم در مصر خود را مستقل و اقدامات خودشان را جز ترقی ملک نمیانند ماها نیز که هو

هوالتظامی دل خود را بلفظی خوش داریم که فلان وزیر خارجه یا بهمان اخبار وعده بدم مداخلت و بقای استقلالان میدهد، و ابدأ ملاحظه نمیکنیم که استقلال یعنی چه و دولت مستقل کدام است و دخالت های صریحه مسلحه و غیر مسلحه دولتمین در ایران چه معنی دارد، آیا این سلوکی که با ما شده صدیک آن در یک مملکت مستقلی جائز شمرده آمده است؟ کدام دخالت است که درین چهار ساله اخیر دولتمین در ایران نموده اند؟ آیا علامت استقلالیکه درین دوره ایران ابرار داده کدام است؟ آیا آنچه ارازات دوستی که روس نسبت بدولت و انگلیس در حق ملتیان اظهار داشته جز منجر اضمحلال قوای طرفین چه نتیجه ظاهر ساخته است؟ افسوس از عدم آشنائی ما به سیاسیات! دریغ از جاپوسی پندی ما!!

با این مقدمات مذکوره نتیجه این میشود که دولت انگلیس با روس کمال اتحاد را دارد و نه روسیان قدمی بدون مشوره انگلیس در ایران برداشته و نه انگلیس بدون شور با روس هیچ حرکتی در ایران کرده یا خواهند کرد و هیچ دلیلی هم از آن نیست که مکرر جناب سرادوردگری در بیانات خودشان در پارلمان اقرار نمودند که دخالت های مسلحه روس در ایران بمشوره ایشان بوده و هماره مدافعه از دولت روس کرده که هیچگونه قصد سوئی از فرستادن قشون در ایران ندارد و تلگراف اخیر هم ثابت می نماید که سرادوردگری این یادداشت را بمشوره روس بدولت ایران پیش نموده و همان بهانه هائی را که روس برای ورود قشون خود از امنیت طرق و حفاظت مال و جان خارجه در این دو ساله پیش نموده امروز انگلیسان تجدید می نمایند، چنانچه روزنامه طمس که زبان وزارت خارجه انگلستان است میگوید « دولت انگلیس پیش ازین نمیتواند صبر کند که توهین به افسران او شده و مال و جان رعایایش در خطر آید » و حال آنکه تا امروز یکی از رعایای انگلیس بقتل رسیده و اموال آنان بشارت نرفته و اهائی در هیچ نقطه بامورین هیچ دولت در ایراث نشده است و تا دو هفته قبل اخبارات ملی انگلستان بهمین ادله قیام قشون روس را در ایران ناجایز جلوه می دادند،

درین چند روزه کدام واقعه عظیم پیش آمده و چقدر از اموال و رعایای انگلیس منسوب و مقتول گردیده؟ و کدام توهین بامورین انگلستان شده که بی مقدمه روزنامه طمس چنین اتهاماترا اشاعت میدهد؟ ازین بیانات بخوبی ظاهر گردید که علت این یادداشت نه آن است که مخبر روتر و روزنامه طمس اشاعت داده اند، ما انکار نداریم که جنوب دارای امنیت نامه نیست ولی نه این اغتشاش مبنی بر بلتیک است و نه دارای هیچگونه اهمیتی که دولت انگلیس را مجبور به پیش نمودن چنین یادداشتی به نماید. اوضاع جنوب همان است که از هفت سال باین طرف بوده و از راپورت قونسلات انگلیس بارسال که بمبوحه انقلابات شناخته میشد پیش از صدی یازده از کلیه تجارت خارجه در ایران نکاسته بود و ما یقین داریم که در راپورت امساله قونسلات آت ما خالی هم بر شده است، ما علت پیش نمودن این یادداشت را همانا خوف دولتمین از حسن استقبال ایران میدانیم چه کابینه کنونی علاوه بر ابراز فعالیت بخوبی اقتدار خویش را در اصلاحات اساسی مملکت ظاهر نموده دولتمین ایقان کرده اند که اگر این کابینه تا شش ماه دیگر بروی کار باشد و باین جدیت در اصلاح امور بکوشد رشته های چهار ساله آنان با آنچه زحمات و مقدماتیکه فراهم آورده اند پنبه شده و همه گوتنه ابواب بهانه را بروی اجحافات همسایگان خواهند بست این است که برای انجام مقاصد خود شتاب تولید اشکالات نموده تا به یکی از دو امر این کابینه را مجبور دارند، یا بترك مقام یعنی استعفا و یا به ابراز بیقابلیتی در انجام امور که او نیز نتیجه اش کناره جوئی است علت پیش نمودن نوری این یادداشت غیر مترقب همانا برای جلوگیری (بایکات) یعنی ترك استعمال امتعه روس است که ایرانیان بر حسب وظیفه قومیت و بر طبق حکم روحانین جداً اقدام نموده اند، برای مشوش داشتن ایرانیان و مزید مرعوبیت دولت و مجلس و ابطال این حس قومی « که امروزه بزرگترین آله دفاع حقوقی ملل شناخته می شود » و ارتقاء (بایکات) در همراهی بدولت روس این اقدام را نموده که مبادا فردا شامل حال خود شتاب نیز بگردد حق این است همینکه دیدند کابینه جدید و مجلس مصمم آوردن مستشار های ایتالیائی براء

ترتیب ژندرامی و امنیت طرق میباشند و یاد داشت
 اخیراً دولتین بر آنها اثری بخشیدند فلشاً هندوستان
 یاد آمد، یعنی همان شرطی را که در استقراض ایران
 پیش نموده بودند، افسران قشون در منطقه نفوذ
 دولتین از روس و انگلیس گرفته شود، این بهانه
 را پیش نموده میخواستند بشرق دست افسران خودشانرا
 در منطقه نفوذ خویش برای ترتیب قشون وارد
 نمایند و تمام این گره رقصانها راجع بهمان خیالات
 اولیه دولتین است که عبارت از تقسیمات جغرافیائی
 ایران و بستن راه های نفوذ آلمان باشد

جناب سرادوردگری این خیال که اساس اتحاد
 روس و انگلیس است از دیرباز داشته چون فرقه
 مخالفین این اتحاد در انگلستان قوت داشتند مهلت
 پیش بردن خیال خودرا نمی یافت تا اینکه در همان
 شیدکه پارلمان انگلستان تعطیل می شد این یاد داشت
 را بدولت ایران پیش نمود تا در سه ماهه تعطیل
 پارلمان اقل از مسئولیت وکلا آسوده مانده و آنچه
 شدنی است درین مدت بشود، هرگز این تصورکه
 برخی حامیان انگلستان در ایران می کنند « هرگاه
 معاهده روس و انگلیس نشده بود دخالت های روس را
 هیچگونه جلو گیری ممکن نبود » صحیح نیست
 دولت روس اگر بقوت معاهده با انگلیس نبود
 از خوف عثمانی قدرت دخالت مسلحه در شمال
 داشت و هرگاه عثمانی از مهارت اتحاد انگلیس با
 روس نبودی تا این درجه در دخالت روسیان در
 شمالی ایران صبر نمی نمود

این است که ما اساس کلیه مداخلت های
 روس و انگلیس را در ایران همین معاهده میدانیم.
 عاقبت عثمانیان از ما آمده با رومانی و تاییل در
 اتحاد ثلاثه آلمان و اطریش و ایتالی از دسایس
 دولتین در بالکان آسوده شده جداً خود را
 در منطقه نفوذ روس داخل ساخته باسم محافظه
 قونسلات خود در ساوجبلاغ و کرمانشاه محافظین
 فرستاد. چون انگلیس و روس خود را ضامن
 حفاظت خارجه در ایران جلو داده بودند همچو
 می پنداشتند که جز آنان هیچ دولتی جسارت فرستادن
 محافظین برای قونسلات خود ندارد، عثمانی بدین دلیل
 این سد را شکند که دولت روس در ورود
 قشون خود بایران چنان اظهار می نمود که قصدی

جز محافظه خارجیان ندارد، اینک که ثابت گردید
 این الناظران بهانه دخالت خود قرار داده عثمانی هم
 باسم حفظ قونسلخانهای خود بلاواسطه حمله گرفته است
 و این مقدمه فرستادن قشونهای بزرگ است گویا بمناسبت
 این نکته است که دولت انگلیس در یادداشت خود
 ایرانیان را تهدید می نماید که تا وقتی که بجهان و مال
 خارجیان دست درازی نشود مسلک عدم مداخلت
 (که تا کنون داشته اند !!!) ترک نخواهند نمود.
 گویا چنین دانسته است ایرانیان زبر بار این
 یادداشت نرفته خواه مخواه رجوع به آلمان و عثمانی
 کرده و یا به اشارات بلتیکی بهانه بدست آمان
 داده دیگران هم مثل عثمانی باسم محافظت قونسلات
 خود در هر مرکز محافظین وارد خواهند نمود، این
 است که حفظ ما تقدم می فرمایند

(مزار انگلیسان از این یاد داشت)

اول، همانصرت مسلمانان دنیا است از دولت انگلیس
 که همه روزه در ازدیاد است، و زبانی که انگلیسان
 از نصرت مسلمانان که بواسطه اتحاد با روس تولید شده
 دارند پیش از آنست که ما بنگارشش توایم پرداخت
 دوم، از نتایج این اتحاد است که با آنچه
 رغبتیکه در ابتدای مشروطیت عثمانیات نسبت به
 به انگلیسان ظاهر می نمودند امروزه همقطار روس
 در اضمحلال مسلمانان می شمارند و بواسطه این اتحاد
 بود که عثمانیان خویشتر را با چار دیده که دست اتحاد
 بدولت ثلاثه آلمان و اطریش و ایتالی بدهد و بدین
 وسیله به آنها خساره اقتصادی و سیاسی به انگلیسان
 وارد آمد بلکه کلیه نفوذ آنان در عثمانی و بالکان
 دارد معدوم میگردد.

سوم - از نتایج و خیمه این اتحاد است که با
 آنچه اعتمادی که ایرانیان بدوستی و خیرخواهی
 انگلیس داشته و در هر گونه شدائد انگلیس را
 پشت و بنای خود می پنداشتند اینک بهمان نظریکه
 روسیان را می بینند به انگلیسان هم می نگرند و ازین
 عدم اعتماد رقیب بزرگ انگلیس یعنی آلمان که
 علت غائی این اتحاد شناخته میشود از یکطرف خود
 را بخیرخواهی عوالم اسلامیت جلو داده و از طرف
 دیگر عثمانی را بزیربال خود گرفته و نفوذ خویش را
 به اندازه در ایران زیاد کرده که میتوان گفت نصف
 بیشتر دانیان ایران قلباً طرفدار آلمان گردیده اند

چهارم بر فرض که انگلیس مقضی المرام شده یعنی جلو نفوذ آلمان را بگیرند و روسان هم در منطقه نفوذ خود استیلا یابند بزرگترین زیانات برای دولت انگلیس در هندوستان پیش خواهد آمد و هاره هندوستان در تهدید روسان درآمده سالی ملیونها ایره باید بر مخارج قشون ساخلوی سرحدات هند بیافزایند ، با آن انقلابات عظیمه که رموز دامان سیاست در آتیه هند مشاهده می نمایند نزدیکی چنین دشمن قویم قدیم هندوستان چه اثر های و خاست بخش دارد لازم به بیان نیست

(نتیجه این یادداشت)

این یادداشت دولت انگلیس اول اثری که بر ایرانیان بخشد هاما يك نفرت فوق تصوری میباشد که عاقبت ممکن است منجر بزنیانات اقتصادی و سیاسی او گردد ، چه امکان ندارد که رموز دامان ایران حتی رؤسای عشایر و امنای جنوب همیشه بی مقاصد دولت انگلیس بردند موقع به انگلیس است داد ، که خیالات خود را انجام دهند و نمره معکوس این خواهد شد که جبراً ایرانیان را بجانب عثمانی و آلمان کشاید ، حزبی هم که تا کنون در ایران طرفدار انگلیس هستند مغلوب ساخته پیش از پیش در وسط آسیا تولید اشکالات برای انگلیس خواهند داد ، و همچنین آنریکه از این یادداشت در قلوب طبقات روحانی ایران بخشد ممکن است تواید يك انقلاب عظیم و منجر به بایکات امتعه انگلیس مانند روس گردد - و در صورتی هم که بدون هیچ مانعی اسباب دخالت انگلیس فراهم آید کما نمیرود که سامانی دراز افسران انگلیسی بتوانند در جنوب امنیت قائم نمایند دایم حسی این است که قرب بیست سال میباشد از عهده امنیت سرحد افغانستان و يك مشت افغانه سرحدی که عددشان بسیصد هزار نمی رسد بر نیامده همه ساله علاوه بر این که جمعی مقتول مبلنی هم صرف اردوهای سرحدی میشود مصارفی هم باید در مهات لشکر کشی و سرکوبی آنان بشود و بدون افرای امنیت جنوب ایران برای انگلیس ده نوبت اشکالتش پیش و خساراتش زیاد خواهد بود ، و در این مدت زبانیکه تجارت انگلیس در جنوب وارد آید پیش از آن است که احصاء توان نمود - از اینها هم هرگاه صرف نظر شود ظاهر است که رقیب هوشیار انگلیس در ایران آرام نگرفته دولت انگلیس را موقع هر گونه اقدامی نخواهد داد و همه گونه در پیشرفت مقاصد خود و عقب انداختن انگلیس اقدامات سری و علنی خواهد نمود ، و چویش امروزه از وخامت این اتحاد بسیاری از ایرانیان را حامی صلتک خویش ساخته

در کمال سهولت میتواند تولید مواع در جلو مقاصد انگلیس نمایند ولو به انگلیختن دسته های کوچک (مانند بلغار در مقدونیا) در جنگ و گریز و حملات بی دری که محل آسایش و امنیت شود ، و هیچ بعید نیست که هیجان عمومی را بر مخالفت خارجیان فراهم نموده واقعات چین در ایران تازه گردد

این یادداشت یکی از دو نتیجه را تهدید می نماید که یا طوفان بی تمیزی چین برخلاف خارجیان در ایران بلند گردد ، و یا مانند سر آکو يك کافرانی را تشکیل دهد ، در هر صورت زیان نصیب انگلیس و نفع عاید بر قبای آنان خواهد گردید ، و هیچ مشکلی نمی نماید که رفته رفته این مناقشات سیاسی منجر بیک جنگ عظیم گردد که نتیجه اش باز هم زیان انگلیس شود ، چه این اقدامات انگلیس در جنوب به جارت روس در شمال منجر تواند گردید و قطعاً اگر روسیان از بایکات ایران متنبه نشوند ناچار بمجاهده حقوقی قیام خواهد شد ، چون دستهای پلنگی خارجه هم در کار است نمی توان گفت این آتش فتنه تا کجا دامان انگلیس را فرا گیرد بعید نیست که بید رنگ ایرانیان با عثمانی متحد و علم مجاهدت بین اسلامیان و روسیان بلند گردد و چون انگلیس در معاملات ایران متحد با روس گردیده اند اگر ساکت نه نشینند این آتش فتنه وسعت پیدا نموده دامنه شان را خواهد گرفت ، و اگر سکوت اختیار نمایند لامحاله باید متحمل زیانات سیاسی و تجارتی در جنوب بشوند ، تا عاقبت منجر به ترك این اتحاد با روس گردند

این یادداشت نمره مرعوبیت ماست

قبل از اینکه به نگارش جاره کنونی پردازیم از بیان دو نکته که مایه امدهواری انگلیس در پیش نمودن این یادداشت گردیده ناچاریم اول - تذکر ایرانیان باین اصل اصیل - « یاس سرگ سیاسی را که عباره از خاتمه حیات پلنگی است بهر انسان نزدیک می سازد ، امروزه که ایرانیان در سر نفع شطرنج با شاطران سیاست نشسته مشغول بازی اند اول وظیفه شان این است که جنبه یاس را از خود دور داشته ما کمال منانت در جلو شداند بایستند ، که يك از شاه کار های سیاسیون کنونی فراهم نمودن اسباب یاس برای حریف است ، چه همیشه حریف ما بوس شد طبعاً تن بمرگ در میدهد و برای فراهم نمودن جنبه یاس در حریف از تشر های تو خالی که حکم توپهای پنبه را دارد دریغ نمی نمایند

دوم - مرعوب ساختن حریف است بهر وسیله که بتوانند ، چه همیشه مقدمات مرعوبیت را فراهم کردند حریف را ما بوس ساخته برد خود را مسلم

میدارند و آنچه تاکنون بر سر ایرانیان آمده از مرعوبیت بوده است .

درست باید دقت نمود که وقتی قشون روس میخواست وارد آذربایجان گردد، چون روسین تا ایندرجه تصور مرعوبیت در ایرانیان نمی نمودند ، چندین اعلانات رسمی و غیر رسمی اشاعت دادند که ما را هیچ گونه قصد دخالتی در ایران نیست ، فقط برای رساندن آذوقه به تبریز وارد می شویم و تمام خوفشان از هیجان و مخالفت ملت بود ، همینکه وارد شدند و سکوت که علامت مرعوبیت بود در ایرانیان دیدند بنای همه قسم دخالت را گذارده و از مرسو بازدید مرعوبیت ملتیان کوشیده تا جائیکه چند اردوی دیگر هم بدون دغدغه وارد کردند ، و ازیم بروز حیات ملی ایرانیان آسوده شده خوی که داشتند فقط از هیجان مذهبی بود ، این خوف هم بفرستادن قشون در خراسان و توب بستن به قبه الاسلام و پای نهادن در حریم بزرگترین مجتهدین تبریز از خود دور داشته دانستند که ایرانیان را کثرت مرعوبیت نه حیات ملی و نه مذهبی باقی گذارده . این است که امروزه باینکه نمایندگان سیاسی روس تسلیم دارند که هیچگونه ضرورتی برای قیام قشون آنها باقی نمانده از مرعوبیت ما فائده گرفته صاف صاف عهد شکنی کرده از اخراج قشون خودشان انکار می ورزید .

برای تذکر ایرانیان افغانستان و ترسوا کالی است که با وجودیکه مثنی پیش بستند چون مایوس از خود شده و مرعوب دیگران نگردیده مقتدر بر حفظ استقلال خود گردیده و بیگانگان را از حویثش مایوس ساخته اند پس هرگاه ایرانیان پیش ازین مرعوبیت را پیشه ساخته و مایوسی را شعار سازند بی درنگ حیات استقلال خود را خاتمه داده طوق عبودیت ابدی بگردند اداخته . اسلام مضحل ، شرف قومی رباد ، مجاهدات تاریخی صایع ، یکنامیهای این دوره ما هم تبدیل به بدنامی خواهد شد .

چون دولت روس از مرعوبیت ایرانیان فائده گرفت انگلیس هم بهمان وسیله در جلب فوائد خویش از ایرانیان سالی آمد . ایرانیان اگر استقلال می خواهند ناموس می شناسند ، سعادت تاریخی میجویند ، باید ترك مسلك مرعوبیت دیرینه گفته فرمایش بزرگان خویش را تعقیب نمایند

عروس ملك كسى تگك در بغل گیرد

كه بوسه بر لب شمیر آمدار زید

چاره کتون

چون ما بکاینه فال سیاست شناس خود اطمینان داریم صرف نظر از بیان تکالیف آن نموده فقط

به بیان رؤس وظایف مله قناعت می ورزیم
(۱) با عدم یاس و مرعوبیت ایرانیان راست که بروز حیات ملی داده در جلو شاید سیاسی که باقتضای موقع مانند موج درگذر است ایستاده خود را نبازند و بدست اجانب بیاندازند و از خیالات خویش باز نیایند و بفرقه حیات ملی در اینگونه شاید بجای زبان قناعت حاصل کنند و این کلیه سیاسی را از نظر خود محو سازند ، جمله سیاسی مانند حالات در میدان جنگ است قناعت و شکست را برای حامل ایشان نتواند داد .

(۲) ایرانیان راست که موقع نازک خود را شناخته و حالات سیاسی که آنان را چسار موجه نمود . متذکر شده حق المقدور بهانه های همسایگان را مرتفع و راه هیچ گونه ابرادی برای آنان باقی نگذارند و همان قسمیکه مرعوبیت آنان را زبان رسان است مفروریت بجا نیز ممکن است مضر بحال آنان گردد

(۳) بزرگترین وظایف شامل به طبقه روحانی فارس و رجال و اعیان و تجار و اصناف آت مملکت است که درین وجه خطرناک که استقلال ایران را تهدید می نماید چشم هم چشمی را بسته ناموس مادر وطن که نزدیک است بدست احباب اوفتد رحم نموده و از امراء هندوستان و قفقاز و ترکستان و مصر عبرت گرفته از محو اسلام رسیده و از اضمحلال استقلال شش هزار ساله این مملکت بیم نموده دست آشتی و او موقتی باشد بیدگر داده و این کشتی شکست خورده وطن را حفظ کرده نالیبت و مغلوبیت شخصی را بیات سو نهاده دست اتحاد بیکدیگر داده کس نام بیک در تاریخ نموده ابواب بهانه را بروی بیگانگان بریندند درین موقع سزاوار می بینیم که طبقه روحانی فارس و اعیان و تجار و وکلای انجمن ایالتی و خانان صوات الدوله امیر عشایر و قوام الملک و نصرالدوله و و و و را خطراب نموده عرض ما هم! که بصاحب شریعت مطهره سوگند که وطن در خطر است ، آیا به غیرت و دیانت و شرافت شما میگذرند که برای اعراض بپهوده شخصی دست مادر وطن خود را گرفته باجانب دهید . امروز قیام قشون روس و بهانه انگلیسان تمام بواسطه ناامنی جنوب و ناامنی جنوب از اختلافات شما بزرگان زائیده شده

ان لا تخافون المعاد کونوا احراراً فی دنیاکم -
بترسید از غضب خداوندی . شرم دارید از صاحب شریعت مطهره ، عبرت گیرید از اعیان و بزرگان ممالک مفتوحه . بوجد کائنات سوگند اگر مادر وطن را باغراض شخصی خود بدست بیگانگان

دهید، اول کاری که بکنند ناخلف فرزندان رشیدش را از کنارش با کمال ذلت و خواری جدا ساخته لکن ابدی را در اخلاف پادگار خواهید گذارد. در صورتی که خارجیان به تشبثات دیگر اقیانام شوند نتیجه آن خواهد شد که دولت و ملت در قلع و قمع شما گریخته واقعات شال در جنوب پیش آید عبرت گیرید از ملا قربانلی و صدر زنجانی، عبرت نمائید از رحیم خان و امتان آن، به برهیزید از روزگار اهل شامسون، امروزه هرگاه شما برادران، شما موالیان، شما آقایان، شما بزرگان دست اتحاد بیک دیگر داده و وطن را به بصیبت های جاهلانه و اغراض وحشیانه فدا نمائید در یک هفته میتوانی کابینه جنوب را مأمون تر از شال سازید و مهانه اسکایس را مرتفع و با قوه اتحاد شال و حذب قشون بیگانه را مانند طومار درهم پیچید، چه اعتناشات کنونی جنوب که دولت اسکایس را فرود آورده تمام اگر بگوئیم از شخص شاست خویم گفت زائیده اختلافات شاست

بیاید بر ایران رحم کنید بر اسلام ترجمه کنید ناموس وطن را حفظ کنید. استقلال شش هزار ساله وطن محبوب خود را بر باد ندهید که بزوگلتان فرموده (نام یکی گرماند ز آدمی)
(به کزو ماند سرای زرنگار)

(۴) روحانیین و اعیان هر بلد و انجمنهای ایاتی ولایتی راست که بدون فوت وقت حصه در این مسئله اهم سید اسی گرفته از یک طرف برای روز مادا مهربای همه گونه مجامعات اقتصادی و مدافعات وطنی شده از طرف دیگر کابینه وزراء و دارالشورای ملی را فتنه آورده رفیع سیه بیگانگان را جدا خواسته و به تلگرافات مسترحانه و مشوقانه تهدید آمیز کسانی که مایه اعتناشات حیونند مندرک و متنبه ساخته هرگاه خدای ناخواسته انقلاب خواهان جنوب بخود نیامده به عصبیت جاهلیت و غرور نادانی بانی طامند، دولت را در قلع و قمع دشمنان وطن (که باید دستهای کار کنی اجانب شان گنت) قوت داده انقلاب خواها را از کار انداخته نابود سازند، ایرانیان باید بدانند که بزرگترین موقع نازک و عمیق ترین دره های خطرناک سیاسی آنها را پیش آمده هرگاه در این موقع هم قایمه را باخته مرعوبیت اختیار نموده و از فدی مال و جان دریغ داشته بجای خواهند افتاد که اتوی از آنان باقی ماند و توشه کشی غول بیابان کردند ایرانیان بدانند که هرگاه دولت اسکایس در مجوزات خود نایل آمد، تقسیم ایران قطعی و تجزیه ملت حتمی و عبودیت شان مسلم، و محال است که تا دو بیست سال دیگر از چنگال روس و انگلیس

نجات یابند، الله! الله! ای هموطنان غیور این دم شیراست بازی میگیرید، و همین موقع است که اگر در مجامعات اقتصادی و مدافعات وطنی سستی و توانی کنید هم دیتان میبرد و هم دنیانتان هم مال خواهند داد و هم جان، هم شرفشان خواهد رفت هم استقلال، فقط همین ورطه هواناک است که اگر ایرانیان با عزم صمیمانه و حسنیات و ذن خواهانه خویشتن را بسلامت از آن گذرا بند سعادت ابدی و استقلال سرمدی حاصل نموده ملت ایران هم مانند سایر ملل حیه سرش در سرها داخل خواهد گردید.

واضح تر ایرانیان اگر این لحظه برخطر را بسلامت طی کنند از جرکه شکاران خارج شده در حلقه شکاریان خواهند درآمد، الله! الله! ای هموطنان محبوب، این موقع نازک که هم استقلال ایران را بموتی آویخته و هم رشته سعادت ابدی آنها را محکم تواند نمود از نظر دقت دور نداشته و بسهل انگاری نگذارد که پشیمانی را سودی نخواهد بود.

(۵) مقام منبع ریاست روحانی اسلام راست که این موقع نازک را شناخته نداند که از آخرین رنگ شریان استقلال این مملکت اسلامی است که همسایگان در قطع آن حاضر شده اند، هر جدیت و فعالیت که از شما موالیان برآید کوتاهی نمائید که مسئولیت این امر بیشتر بدمه آن موالیان است، هم مجلس و هم کابینه وزراء را بقطع این ماده فساد مستعد ساخته و هم اسباب التیام مناقشات جنوب را بر وسیله و طریقه که ممکن شود ولو بجرک خودشان باشد دریغ نباید فرمایند، و این نکته را بزم مانفب باشند که هرگاه ترک استعمال امتعه روس فوت نگیرد و عمومیت پیدا نکند ازین و بعد همسایگان در هر گونه احتجاجات خود هیچگونه خوف و جمی نخواهند داشت، و این سهم گین تیری است که سوی آنها رتاب شده همه روزه بلکه هر ساعت و آن باید در فوه و پیشرفت ترک استعمال امتعه خارجه هرگونه فعالیت و مساعی جیبه که ممکن شود بدون فرمایند، و برای مدافعه حقوقی همه قسم مستعد و حاضر در رفیق ایران بشوند که هرگاه روسیان از ترك استعمال امتعه شان متنبه نشوند آخرین اقدامیکه باید بشود یعنی مدافعه حقوقی بفرمایند و این نکته را فراموش نباید کرد که اگر (بایکات) امتعه روس فوت گرفت و حسنیات ملیه و هیجان دینیه ایران طاهر گردید انگلیسها که بسی هوشیار و دانایند فوری پیش پای خود بسته از حقوق خود تجاوز نه خواهند نمود و اگر بانجام این نکته ملتیان نائل نشدند جهت انگلیسها هم ضعیف تر خواهد گذشت

وزیر مختار دولت انگلیس که چگونه این بحث را قطع نمود) بآن جهت چه موقع مهی در انتظام امنیت ایران از دست دولت خارج شد.

دولت ایران چنین دانسته است که بهترین اصول قیام امنیت آن است که دو صدی ده و گمرکات ایران بفرزاید، ولی آن طریق را که دولت انگلیس پیش نهاد کرده هم مغل بر آزادی ایران تصور میشود و هم روابط دوستانه دولتهای ایران و انگلیس را قطع مینماید. با اینکه دولت ایران هیچ وجه نمیتواند منظور باید مجوزات دولت انگلیس را مصادک مزید توجه خواهد نمود که رفع نگرانیهای دولت انگلیس را در مواد تجاری بنماید.

در جواب یادداشت ظاهر شده که دولت ایران بالاصاله از دیاد صدی ده گمرکات را تجویز مینماید. و آخرین نکته که در جواب یادداشت دولت انگلیس نوشته شده مدال داشتن از دیاد تجارت را در ایران و مابین دلیل ظاهر داشته است که هیچ وجه تجارت خارجی حق شکایت در سکت تجارت خود ندارد § اخبارات برلین مینویسد که دولت عثمانی اعتراض نموده است بر دولت انگلیس منبأب کوشش در حصول جزیره (القطر) را که در قرب قطیف است و در خلیج فارس واقع شده با اسم انبار ذغال

تجارت آلمان صرف بطور از تمام تجارت ایران و انگلیس نموده یا کمال سختی و تقصیرات جغرافیائی ایران بین انگلیس و روس زبان با اعتراض و پروتست گشوده اند (۲۴ اکتوبر - ۲۰ شوال)

§ نظر بطنیات جرائد که مینوشتند: یادداشت دولت انگلیس مقدمه تقسیم ایران است: روزنامه نیم رسمی (ناردر دوش آلمان زیتنگ) در برلین اشاعت داده: دولت انگلیس اضمینان داده که هیچگونه قصد دست اندازی در استقلال ایران ندارد و این خبر سبب اضمینان ایرانیان و اروپائیان شده است

§ طمس مینویسد که گنگوی استقرض ایران با يك از ادارات انگلیس بطور دلخواه جاری است و این اداره دارای تملقات مهمه در ایران است، مبلغ این قرضه يك میلیون دوست و پنجاه هزار لیرا است که بکفالت گمرکات جنوب داده خواهد شد اقدامات تازه که در این باب با ~~کسان~~ دیگر شده بود نتیجه نه بخشید.

حبل المتین

مانظریات خودمانرا در جواب متین دولت ایران بر یادداشت دولت انگلیس حواله به آینده میدهیم

امروزه مقام منبع ریاست روحانی اسلام راست که بقسمی جدیت و فعالیت در این مجامده اقتصادی و مدافعه حقوقی ابراز فرمایند که يك دفعه قطع امید بیکانگان شده راه خویش گیرند و یقین بدانند که اگر هم-ایگان ایمان کنند بر اینکه ایرانیان در مجامده اقتصادی و مدافعه حقوقی از بذل مال و جان دریغ ندارند هرگز پیرامون اجحاف و زیادتی در ایران نخواهند گردید و ابراز این فعالیت و جدیت بسته بتوجه تمام مقام منبع ریاست روحانی اسلام است

(۶) مجلس مقدس راست که درین موقع نازک مدتها درجه جدیت و ابراز فعالیت داده با اینکه کمال اعتماد را به کابینه خود دارد بقول تنها اکتفا فرموده هم مذاقه در اجوبه دادن شکن هم-ایگان نموده و هم کابینه را بسوق اردوی بزرگی برای امنیت جنوب مصمم ساخته و هم به اصلاح مشفقانه انقلاب خواهان جنوب را بهر وسیله که داند و تواند آرام فرموده ابواب بهانه را بروی اجنبیان بسته بهمن وسیله مقتدر بر اخراج قشون روس خواهند گردید و استقلال ابدی ایرارا قائم خواهند فرمود

تتمه از تلگرافات روتر

(راجع بایران)

(۲۲ اکتوبر - ۱۸ شوال)

§ محبر روتر از طهران خبر میدهد که دولت ایران در جواب یادداشت دولت انگلیس مدال داشته است ترقی انتظامات دولت جدیدرا، دولت ایران همین قسمیکه بسند میکند تجویز از دیاد صدی ده گمرکات را منبأب قرضه که موضوع بحث است نمیتواند منظور نماید که در خاک ایران افسران انگلیسی وارد شوند و نیز درین موقع بحث نموده میگوید که نظر به آردیاد تجارت عمومی - تجارت خارجی در ایران هیچگونه حق شکایت ندارند، و دولت جدید با منتهای سرعت مزید انتظامات را سعی است

(۲۳ اکتوبر - ۱۹ شوال)

§ روتر از طهران خبر میدهد که در جواب یادداشت دولت انگلیس - دولت ایران ظاهر داشته خرابیهاییکه قبل از تشکیل دولت جدید موجود بوده خصوصاً در مالیه - معذالك دولت جدید با فعالیت کامیاب گردید در انجام انتظامات بسیاری از مواد ملکیه - و نیز این نکته را قوت داده است که قیام قشون خارجی در ایران زنده مبادارد امید بارگشت شاه مخلوع را، و ضمناً تشریح میکند که برای قرضه بسیار کوچکی شروط پلنیکی را که دولتهای روس و انگلیس بایران پیش نموده بودند و رد گردید (و این موضوع را حواله داده است بخط ۱۶ مارچ

◀ فرستادن شاگرد به اروپا ▶

احتیاج فوری ایران چیست؟ چرا مجبور فرستادن شاگرد به اروپا هستیم؟ وظیفه ملت درین باب چیست؟ - وظیفه دولت چیست؟ ملل دیگر بدین کار چند اهمیت می دهند؟ این شاگردان بچه شرایط باید انتخاب بشوند؟ اصول تدریس در ملل آنکو ساکسون و ملل لاتیفی - این شاگردان بکدام مدارس باید بروند؟

احتیاج فوری ایران چیست؟ احتیاج فوری ایران تشکیل و تنظیم وزارتخانه ها و دوایر دولتی است چه تا وزارتخانه ها و دوایر دولت که قوه مجریه قوانین مملکت هستند بطور لازم منظم و مرتب نباشند قوانین دولتی را اجرا نمیتوانند بکنند، و تا قوانین اجرا نشود مملکت از هرج و مرج خلاصی نمی یابد و مردم روی امنیت و آسایش نمی بینند فواید مشروطیت ظاهر نمی شود و مساعی پارلمان در وضع قوانین بی ثمر می ماند - حق و وظیفه هیچکس معلوم نمیگردد و حدود و صلاحیت مامورین معین نمیشود و بسبب ساده امور مملکت در شکی و حال امروزی باقی می ماند -

حالا که میخواهیم کارها بدیخال نماند - حالا که میخواهیم اردوی منظم و معارف مکمل داشته باشیم و اصول مالیت مان بر نهج صحیح وضع شود، در هر جا امنیت برقرار گردد، و تجارت و صنایع ملی رونق بگیرد، و اجانب در مملکت مان حدود حقوق و وظایف خود را دانسته و با از دایره آن حدود بیرون نگذارند، برای حصول همه این آرزوها حکماً و قطعاً احتیاج فوری به تشکیل و تنظیم وزارتخانه ها داریم -

آیا این تشکیلات و تنظیمات بجه نحو ممکن است؟ برای این کار امروزه جاره بجز آوردن مستشار معاونین و معلمین اروپائی از دول بیطرف نداریم - چون مسئله آوردن مامورین اروپائی را دریغ نمیخواهیم موضوع بحث نماند این است که از ذکر منافع و شرایط و لوازم آن می گذریم و امروز کسی نیست که لزوم و اهمیت این مسئله را انکار بکند، ولی چنانچه گفتیم امروزه نه برای فردا و همیشه کی جاره جز این نداریم یعنی آوردن مامورین اروپائی برای اصلاحات دوایر دولتی جاره موقتی و یکروزی است،

و بدین وسیله و جاره موقتی کارهای ایران الی الابد اصلاح نخواهد شد، زیرا حتماً باید بدانیم که ایران جز در دست ایرانی آباد و منظم نمیتواند بشود! پس اگر جنگجوی جاره قطعی و دائمی بکند بتواند همیشه دوایر دولت و امور مملکت را منظم بدارد و در اندک زمان ما را از مامورین اروپائی مستغنی سازد نپردازیم، آنوقت مجبور خواهیم شد که با مامورین احمق را الی الابد استخدام بکنیم و همیشه محتاج آنها باشیم، و یا اینکه دست امید از اصلاحات و تنظیمات بکشیم و کارها را بحال پریشان و خراب امروزی بگذاریم، و حال آنکه اینهم برخلاف آرزو و مقاصد ما است، زیرا بدانحال نه استقلال میماند نه ایران و نه ملیت! ...

پس آن جاره قطعی که در حقیقت کشتی طوفان زده استقلال ما را بساحل نجات خواهد رسانید و دوایر دولتی را تا ابد بدست خودمان منظم خواهد داشت چیست؟ و راه پیدا کردن آن کدام است؟ جاره قطعی برای تنظیم وزارتخانه ها و اداره کردن دوایر و درمان بودن همه درد های ایران همانا فرستادن شاگرد است برای تکمیل تحصیل به اروپا - بدلیل اینکه اگر تنها به آوردن مامورین اروپائی به ایران اکتفا بکنیم چنانچه در فوق هم گفتیم همیشه محتاج این مامورین خواهیم بود، و گذشته از این این مامورین اروپائی نیز وقتی موفق به اتمامی خدمت به ایران میشوند که برای اجرا و تطبیق کردن اصلاحات جوانان تحصیل کرده و آشنا به علوم و فنون همراه خود داشته باشند، یعنی برای استفاده و برخورداری از خدمات این اروپائیان نیز محتاج جوانان با کفایت و تحصیل کرده هستیم چنانچه بلژیکها ما اینکه در بندت بسیاری از جوانان ایرانی را در دوایر گمرک و پستخانه تربیت کرده و از تعلیم و یاد دادن آنها خودداری نکرده اند، و الحاق مامورین گمرک و پستخانه جات نسبت بسایرین بیشتر وظیفه شناس و کارکن و انتظام پرور هستند، باوجود این اگر جوانان تحصیل کرده و تربیت شده در ابتدای کار زیر دست آنها داده میشد اصلاحات و تنظیمات چهار ساله را در یکسال میکردند و امروز اشخاص با علم و با تجربه و اداره کننده کافی در دوایر مینداشته

پس از صام شدن لروم و منافع فرستادن شاگرد به اروپا، حالا به بیم وظیفه دولت و مدت در بیابان چیست البته گمان نشود که مات در خصوص وظیفه ندارد و این کار بر عهده دولت است، مگر وظیفه که امروزه ازین جهت بر عهده ملت مترتب است از وظیفه دولت بهتر و بزرگتر است. اگر ملت بیهوش ایران بخوبی پی به لروم و منافع این مسئله برده و راه اقدام و فداکاری را در خصوص بداند بهتر و به آسانی میتواند موفق شود، میتوان گفت که افراد ملت از سه راه میتواند بدین فکر مقدس که در حقیقت مایه آبادی و ترقی ایران و نگهداری استقلال ایران حوامد شد اقدام کرده و از عهده اش درآید

اول - اشخاص توانگر و احمیت و کساکه عموماً عبرت و حسن وطنی و ملی هستند اگر دامن همت بکمر زده از ته دل ترقی و باشرف امور وطن مقدس را آرزو کنند میتواند شخصاً از حب خود مصارف چند نفر شاگرد را داده به اروپا بفرستد، به افتخار دایه برف اندی حق کسانی خواهد بود که در جریشتمی باید مری دانگران عموماً امثال و ریا نشینند به عهده تمام عقلائی که اینگونه اشخاص فداکار اریزه خدمت بهات خود خواهند نمود که اهمیت و مواید آن از سایر خدمت ملی بزرگتر است و نام شارا تاریخ ترقی ایران در اوان صحنه شان و شرف نت خواهد کرد

دوم - ممکن است که در هر شهری شرکتی از رباب ثروت و بیعت و یا از طبقه تجار و اصناف و اعیان بشکلی بپزد و در میان خود جمع آوری پول کرده و هر یک ماهی تا بیج سال بپزد گرفته و بدهند و چند نفر را بد قرار به اروپا بفرستند، مثلاً اگر صد نفر از تجار محترم هر ماهه شش پنی هر ساله هفتاد و دو تومان بپزد گرفته و بدهند میتواند بام هیئت تجار فلان شهر است هر شاگرد به اروپا بفرستند، و یا بجای نفر تجار یا بیعت هر یک صد تومان در یکدفعه بدهد مصارف سه نفر شاگرد تا بیج سال جمع میشود، و اگر بایسد هر از اصناف با حمیت هر یک ماهی دوازده قران بدهد مصارف است نفر شاگرد برای بیج سال فراهم میشود، و برای تحصیل صنایع مختلفه به ممالک اروپا فرستاده میشوند، ازینقرار برای هر یک از افراد و هر یک از طبقات ملت میدانش حمیت نمائی بسی فراخ است

کشیده و تلگرافاً بیارلمان و هیئت کابینه اطلاع داده و بدینوسیله پیشقدمی و برتری بر سایرین کرده اند، اگرچه این همت شاعرانه تعمیر اعمال گذشته را نمیتواند بکند و عرض و مقصود از آنها مجهول است باز چون خدمت معارف است شایان تمجید میباشد، ولی امید است که بزودی از قوه فعل آمده برای سایر صاحبان ثروت و حمیت نیز تازیانه تشویق بوده باشد.

بعقیده ما امروز در ایران اقلاً صد نفر پیدا میشود که بصد شاعرانه ظل السلمان ثروت داشته باشد، اگر این ارباب ثروت همتی هم بصد شاعرانه میداشتمد و با اقلاً مصارف بیج هر را بپزد می کشیدند بش از بایسد شاگرد ایرانی به اروپا فرستاده میشد و اگر صد نفر هر یک مصارف بکند را بدهد باز شایان امتنان و تمجید است، کسایکه مایه شاعرانه ظل السلطان درینراه اقدام می کنند یعنی بداند که خدمتشان بزرگتر از خدمت است که بدادن یک کشتی جنگی و یا لواری یک اردو میگردند زیرا این جوانان ثروت کشیده بش از یک کشتی جنگی و یک اردو به استقلال و ترقی ایران خدمت حوامد آورد.

دوم - ممکن است که در هر شهری شرکتی از رباب ثروت و بیعت و یا از طبقه تجار و اصناف و اعیان بشکلی بپزد و در میان خود جمع آوری پول کرده و هر یک ماهی تا بیج سال بپزد گرفته و بدهند و چند نفر را بد قرار به اروپا بفرستند، مثلاً اگر صد نفر از تجار محترم هر ماهه شش پنی هر ساله هفتاد و دو تومان بپزد گرفته و بدهند میتواند بام هیئت تجار فلان شهر است هر شاگرد به اروپا بفرستند، و یا بجای نفر تجار یا بیعت هر یک صد تومان در یکدفعه بدهد مصارف سه نفر شاگرد تا بیج سال جمع میشود، و اگر بایسد هر از اصناف با حمیت هر یک ماهی دوازده قران بدهد مصارف است نفر شاگرد برای بیج سال فراهم میشود، و برای تحصیل صنایع مختلفه به ممالک اروپا فرستاده میشوند،

ازینقرار برای هر یک از افراد و هر یک از طبقات ملت میدانش حمیت نمائی بسی فراخ است

شد، ولی چیزی که لازم است گفته شود این است که در بنگونه کارها بعضی حرف و قول اقدام نمیتوان کرد و جز فعلیات چیز دیگر در بجا فایده ندارد، یعنی معاونت و آید قوی بکار نمیخورد و آن تعهدات شاگرد تحصیل میکند، این معاونت و شرکت باید فعلی و مادی بود و مصارف مدت تحصیلیه شاگردان هر چند سال باشد پیش از وقت در تحت تأمین گرفته شود سیم - هر ولایت و ایالت بنام خود میتواند هر ساله مقداری شاگرد به اروپا بفرستد مثلاً ولایت آذربایجان و خراسان و کیلاش و سایر ولایات هر سال سه ماه پیش از کشاده شدن مدارس اروپا در تحت نظارت و تقابض انجمنهای ایالتی بکدفتر اعانه برای مصارف بیج یا بشر شاگرد گشاده و با بیاننامه مخصوص اهالی ولایت را به اعانه دعوت و مشغول جمع آوری آن میشود، هر چه از مردم رسید قبض مخصوص داده و همه را بیاسگ میگذارند، و همینکه مثلاً ده هزار تومان که مصارف بیج ساله بختنر شاگرد است جمع شد، آنوقت با اصول و شرایطیکه خواهیم گفت انتخاب کرده میرستند، چنانچه بسیاری از ولایات عنای مانند بیروت و غیره بدین گونه اقدام مبادرت کرده و بنام ولایت مصارف چند نفر را جمع و به اروپا مفرستند، و با اینکه مصارف یک کشتی جنگی را تا ده سال بعهده میگیرند که سفارش و بنام آن ولایات ساخته شود

معلوم است که برای اهالی یک ولایت ایران ده هزار تومان چندان اهمیتی ندارد و بلکه یکی از نجار و یا اعیان ولایت نیز به تنهایی میتواند این وجه را بدهد، اما چیزی که هست مردم ایران هنوز بیمنافع این گونه اقدامات نبوده اند و اهمیت او را درک نمی نمایند زیرا بدیده اند و عادت نکرده اند، روزنامه نگاران و نامقان و خطبا و علما و انجمنها و ارباب معارف راست که قدی هم عوض مسائل بواقعیکی از اینگونه مسائل لاف بزنند و بنویسند و تشویق نموده رهنائی بکنند، راه را نشان دهند و منافع و نمرات بیشار اینگونه تشبیهات را بفرمایند، تا مردم فهمیده و عادت کرده و از فداکاری دریغ ندارند

آمدیم بسر وظیفه دولت - درمالکی که افکار

و ادارات مله چندان نشو و نما نیافته و تشبیه شخصی افراد (Human Power) ملت بدرجه کافیه بست و طایف دولت بیشتر است در هر کار باید مداخله و رهنائی و بشقدهی و مبادرت بکنند

بلی الامر ملت ایران نیز بدرجه ملات انگلیسی حس تشبیه داشت بسیاری از مصارف اداری و مملکتی را بعهده گرفته و دولت را قدری از زیر بار ایران و مصارف بیرون می آورد، چنانچه در دولت انگلیس وزارت معارف است، در هر ولایت و شهرها انجمنهای معارف دوایر وزارت معارف را اداره میکنند. ملت انگلیس بدون این دولت قانون وضع میکند و راه نشان بدهد همه مدارس لازمه کشاده و بروگرام ترتیب داده اجرا میکنند و چون برای همه این تشبیهات اساس علمی در دست دارد ایست که بخوبی از عهده این مصارف برمی آیند ولی ملت ایران که بدین درجه حس تشبیه ندارد سهل است که اگر هم اقدامات بکنند نتیجه نبودن اساس علمی وادرا نمی شناسد و کج می رود و از اینرو رهنائی و وصایت دولت محتاج است

ایته هیئت دولت که ملجاء و مرکز قوای اجرائیه مملکت است در تمام قوای نظامات را بدست وزارت خانه ها و دوایر و مامورین آنها اجرا میکنند. بیشتر از ملت واقف بلرغم و فوائد اصلاحات وزارتخانه ها و دوائر و تهیه مامورین تحصیل کرده و تربیت شده میشود، و این احتیاج را زیاده از ملت حس میکنند، و ایست که در پروگرام کابینه حدید فرستادش شاگرد به اروپا ملاحظه میگردد، اما چون تاکنون بسیاری از این پروگرامها نوشته و پروژهها ترتیب داده شده و نتیجه بخشیده است چنانچه از دو مشروطه شایع شده که دولت ایران بجاء نفر شاگرد ما اروپا خواهد فرستاد، در صورتیکه تا امروز یک نفر هم نفرستاده است، لهذا مجبور از ذکر یک نکته میباشیم ..

ما ملت ایران همیشه مغلوب حسیات و نظریات بوده ایم، حس ظاهر برستی و کونه بینی تمام مراکز دماغ ما را بر کرده است، در هر کار اساس را بکنار گذاشته بظواهر و فروع آن میپردازیم. از فعلیات بقول صرف اکتفا میکنیم و بنقشه ها و بلاهای روی کاغذی خود را خوشدل داشته و امیدوار

میشود همه نمرات و نتایج را از نظریات و خیالات دور و درواز منوقیم، مثلا کابینه ایران بمحض نوشتن فرستادن شاگردان در بروگرام اکتفا میکند، و اگر سبب آنهم برسیده شود لابد خواهد گفت که موانع زیاد در پیش است، و یا اینکه بودجه مساعدت نمیکند، و حال آنکه پیش از وقت بایستی این مواع را بپندیشد و بلکه برداشتن آن مواعیم باز راجع بخود کابینه است و الا باید گفت که آن بروگرام کابینه بی اساس و محض دل گری و سرچی ملت بوده است.

باید دانست که نظریات غیر از فعلیات و عملیات است، هیچ وقت ما نظریاتی که قابل تطبیق نیست و بفضیلت منجر نمیشود کاری از پیش میرود. چنانکه واضع قانون پیش از آن باید قابل تطبیق بودن و بودن آن قانون را در نظر بگیرد، و آن قانون را بر وفق حیات و احوال روحیه ملت و احتیاجات مملکت و مقتضیات طبیعت وضع نماید، همچنین دولت نیز پیش از پیشنهاد يك پروژه و ترتیب يك بروگرام باید این نکات را در نظر گرفته و جزم و یقین قطعی بر امکان اجراء آن داشته باشد، رورنامه های داخل و خارج مینویسند که کابینه جدید ایران بوجب بروگرام خود امساله بجاء نر شاگرد اروپا خواهند فرستاد، و حال آنکه هنوز هیچ نفر هم نتوانسته است فرستد، اگر کابینه میگفت که هیچ یا ده نفر خواهم فرستاد و آن را هم میفرستاد یقین داریم که ملت میگفت که چرا کم میفرستی، و روس و انگلیس پروتست نمیکردند... که چرا بجاء نفر میفرستی، بلکه وقت از قول فعل گذشته و بروگرام خود را اجرا میکرد، و یکی از مواد آنرا ولو جزئی بوده باشد از پیش میرد، و مله امروز اسباب استهزا و رسوائی در داخل و خارج فراهم نمیکرد. فعالیت يك کابینه در رنگ و روع بروگرام بست در فعلیات است، نگفته و نوشته باید کار کرد، کم کار کرد اما موفق باید شد، از اقدامات کابینه ایران معلوم میشود که در این باب معنی بروگرام را جور دیگر میفهمند، گویا در نظر کابینه ایران بروگرام آینه نیات و تصورات قابل تطبیق باشد و یاباشد، بدیهی است که در حقیقت چنین نیست، بروگرام يك کابینه عبارت است از

پیشنهادیکه کابینه در آن اظهار میدارد که ما هیئت وزرا مقتضیات زمان سیاست داخلی و خارجی دولت احتیاجات مهیه و قوه مایه مملکت و خط حرکت دول اجنبی را نسبت با ایران و وجود و یا عدم موانع را در نظر گرفته لزوم و اجرائی این اقدامات و تطبیق این مواد را در عهده میکنیم، ولی ممکن است که از بروگرام کابینه پارلمان يك یا چند ماده را تصدیق نکند و یا در فروعات آن تغییراتی بدهد، اما موادی که پارلمان رد نکرد کابینه باید آنها را بموقع اجرا بگذارد و نمیتواند بگوید که موانع ظهور کرد و بودجه کافی نشد، زیرا بر طرف کردن مواعیم باز در دست خود کابینه است و بایستی پیش از وقت همه آنها را در نظر بگیرد.

در ایصوت و طیفه کابینه ایران در حکم امروز اینست که هر چه زودتر ولو ده نفر شاگرد ایرانی اروپا فرستد تا از قول فعل گذشته و یکی از مواد بروگرام خود را اجرا و برقع یکی از احتیاجات مهم مملکت اقدام کرده باشد، و البته پارلمان ایران نیز این بروگرام کابینه را تصدیق کرده است، در این باب از تصدیق بودجه لازم خود داری نباید بکند، و باید بداند که یکی از محلهای که واردات دولت بکمال استحقاق و لزوم صرف باید بشود همین محل خواهد بود.

ملل دیگر بدوی بدین مسئله اهمیت میدهند که هیچ سال نیت سه ها و هزاران شاگرد اروپا نفرستند، به یقین دولت ژاپون با آن اقتدار و انتظام مدارس و انتشار معارف که دارد باز هر ساله بسیاری از جوانان ژاپونی را برای تکمیل تحصیلات خود و یاد گرفتن عملیات بممالک اروپا و آمریکا میفرستد، و عدد تحصیل کنندگان ژاپونی در خارج از ژاپون به یقین از ده هزار میرسد، دولت روس نیز خود را از این احتیاج مستغنی ندیده بسیاری از شاگردان اروپا میفرستد، و اغلب جوانان روسی نیز بدون معاونت دولت خود در شهرهای مهم اروپا مانند شهرهای فرانس و سویس و ایتالیا برای تحصیل رفته و تحمل زحمات فوق طاقت را نموده شب و روز به تکمیل علوم و فنون میکوشند، دولت عثمانی نیز از روزیکه پایداری مشروطیت گذاشته و بفکر اصلاح دوائر دولتی و اجراءات رفوم افتاده خود را مجبور از اقدام بدین امر میبندد، و

از سال گذشته مقداری کانی از شاگردان مدارس
 نایب خود را مرسله نماند آلمان و فرانسه و بلژیک
 و سوئیس میفرستند - در هر سال در سایر اشک و
 اقدامات معارف پروران و ارباب رهن و سب و
 انجمنهای سبکی و عالی هر سال این دولت
 نفر روزی مخصوص نامگذاری برای تحصیل میرسد
 از این جهت معلوم میشود که مردهی در
 همه صفت و خواص برقی بوده و دولت در
 همه صفت و خواص برقی بوده و دولت در
 واحرات رفاه را در هر یک از این مدارس
 در تمام آن وسعت را اورد که مدارس
 عالی و متوسط ارباب سبکی بداند افرساده
 شکایت دارد است و هر قدر که دولت در این
 راه عمل صرفی و سبکی و هر قدر است و هر
 پس از بد - زمان و قدری ها و سبکی و
 گروه و سبکی در دولت ارباب سبکی در
 خواهد داشت

پس در اینصورت و هر قدر که در
 به اروپا باید و میداند این شاگردان چه سبکی
 باید انتخاب شوند - پیش از این سبکی در
 ذکر بیادته سبکی که گرچه سبکی مساوات و
 عدالت درین انتخاب است فرقی مابین اولاد فقرا
 و صاحبان ثروت گذشته شود ، روا همه نشان
 فرزند این و برودت آب و حال هستند ، بری
 خدمت آب و وطن مشرب کار خواهد کرد ، اما اگر
 صاحبان رهن حال حاضر مملکت و وطن را
 نگیرد به چند احجاج قوه ماده دارد و بجه
 سخن بودجه این شاگردان را فراهم خواهد نمود
 خودشان ساعت و خدماتی حاصل خواهد کرد به
 نوص این در میان مارکران دولت شوند ، و با وجود
 ثروت و نایب خود مصارف تحصیل اولاد خود را
 دولت تحمیل نماند ، باید خودشان بزیادت معاوت
 و ناری بکنند ، و اولین و بهترین معاوت این ارباب
 ثروت این است که اولاد خود را با مصارف خودشان
 به اروپا بفرستند و تعلیمه ما درین صورت بیچ
 وجه عدم مساوات و حفاظت متصور است بلکه در
 مساوات و حقانیت است ، و آنوقت از یکطرف عدم
 شاگردانیکه به اروپا فرستاده میشود بیشتر شده
 و از طرف دیگر اولاد ارباب ثروت نیز از حمایت

و صحبات دولت بهمان درجه مستفید خواهند بود و
 به مساعدات و امتیازات که از طرف دولت به شاگردان
 و رسیده دولت داد خواهد شد از این جهت
 مایل خواهند داشت

اما در باب انتخاب سبکی اصلی و فرعی
 باید کرد

اول - این شاگردان باید با مدارس سبکی و
 سبکی را هم آرد تا سبکی سبکی سبکی
 سبکی و سبکی تحصیل کند و مابین سبکی
 سبکی حرج و قوف و سبکی باشد تا سبکی تحصیل
 زبان نموده ، و از این تحصیل های دولت و هر
 بدیده و زبان حرج همه بدید در فرستاده شد
 به رهن و سبکی آن همه مصارف صرفی و هر
 سبکی همیشه در سبکی سبکی سبکی و دولت بر
 واردت سبکی را در سبکی سبکی سبکی سبکی
 را آموخت بری سبکی سبکی سبکی سبکی
 باید مصارف بدید ، و حال آنکه مابین مصارف دو
 نفر شاگرد مکتب بدیده ، تحصیل برده متوجه
 مابین تحصیلات خود در سه چهارم سبکی

دوم - باید حسن خلق و حسن عصبی و
 اسقامت و بدری این شاگردان اعهد تمام حاصل
 شده باشد یعنی اربابان حلاقی و سبکی و بسندیده
 بود ، در میان مردم ، حسن رفتار و خلق صحیح
 معروف ، تا مسائل اخلاقیه معصوم بوده باشد
 نخبه ایست که شخص و عاقل و فیلسوف باشد
 در سبکی سبکی صاحب حلاقی و سبکی و سبکی
 از سبکی آن شخص مکتب و سبکی حاصل میشود
 مکتب سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی سبکی
 احتیاطیه میرساند و سبکی تا بد حلاقی مکتب بدرد
 روا سبکی سبکی سبکی است و در سبکی سبکی
 دردها و مجرمها سبکی سبکی سبکی سبکی
 در این راه را تمام کرده اند چنانچه در حکم امروز
 بسیاری از اربابان عام و وافق تقصیبات رمان و
 سیاست عام در داخل و حرج ارباب دارایی اما
 چنان مدلا سبکی سبکی و اخلاق ردیبه و حسنیات
 فاسده هستند که فایده از وجودشان بدویت و ملت
 نمی آید سهل است که نماند روال شرف و حیثیت
 خود و دولت خود میشود ، و هرگونه اربابان ردیبه
 و حرکات نا پسندیده را ارتکاب می نمایند ، بخصوص

محیط و اوضاع ممالک اروپا تاثیر شدیدی در کشیدن انسان بظرف سوء اخلاق و ترك آداب دارد. و كسانیکه سست عنصر و بد مشرب و متایل بلهرو و نخب هستند بزودی مجذوب عوام سزاهت و عیسائی اروپا میشوند، و این است که درین نغمه پیش از وقت دقت باید کرد، اگرچه این شاگردان در تحت نصارت و نفیثش يك نفر شخص معتمد و ما تجربه و علم و با كفايت خواهند بود ولی آن نصارت و نفیثش مانع از ظهور فساد اخلاق و سوء تربیه نمی شود. و اگر هم شاگردی که بد اخلاقی و بد مشرب پیش گرفت اخراج و محروم از تحصیل کرده شود. این از رسوا کردن منت و صرف مقداری از واردات دولت خواهد بود. این صرفه دولت و منت درین است که پیش از وقت این نکته را هم در تدقیق نگذارند. در ناسی را که از زمان سلطنت صردین شاه تا امروز به اروپا رفته و تحصیل کرده اند، در هر چه و خدمت ایشان را بدولت و ملت برین در نظر بگیریم. در صدی ده هر یک از آنها رفته اند و صاحب علم و تجربه کافی بوده و خدمتی شایسته کرده اند. اگرچه در زمان استبداد بری اشخاص ناسی و خدمت چندان اسباب خدمت فراهم نبود و همه مستحکوم، نوشته شدن بودند، ولی جهت عمده همین بوده است که ولا سکر خدمت وین و ملت به اروپا بروند و نهایتاً تابع این شرایط لازم کرده و مسئولیتی در تحصیل خود نداشته اند.

سیم - این شاگردان و نوجوانان در این مدرسه خوانده و دیپلوم گرفته باشند بجهت اخلاقی سزاهت سعی و استعداد باز باید با امتحان سزاهت انتخاب شوند، مثلاً اگر صد نفر نام در این روپ رسیده شود و مجبور باشیم که ده نفر را انتخاب بکنیم باید همه آن صد نفر در پیش يك هیئت علمیه که در وزارت معارف تشکیل می شود امتحان از دروس لازمه معینه بدهند. و آنگاه سبب دیگران امتحان خوب دادند تا ده نفر انتخاب بشوند و اگر چند نفر بیکدیگر وجه و سبب از امتحان درآمده و لازم شد که یکدیگر نامشان انتخاب بشود آن وقت آن دو نفر با قرعه انتخاب میشوند، و الا اگر همه شاگردانیکه انتخاب خواهند برعه انتخاب بشوند

امتیاز علمی و فضلی از میان می رود، و احتمال قرعه بنام کسانی در می آید که اهداً استعداد تحصیل علوم عادی را ندارد و کسانیکه زحمات کشیده و رنجها برده و حقیقتاً صاحب استعداد و ایاققت هستند محروم میمانند و زحمات و مصارف دولت بیهوده می رود.

چهارم - در تحت نصارت و نفیثش يك نفر شخص تجربه دیده و علمه احوال اروپا و مدارس آن و واقف به امور تحصیل باید بوده باشند تا خود را در زیر بار مشوايت و مراقبت دائمی به مانند و یا از دایره و صاف خود بیرون نگذارند و بجز هائیکه باید به تحصیل شان نسبت و اغلب سبب برایشان ذهن و خرابی دماغ میگردند اشتغال نوزند و باید دولت نیز از تشویق و ترغیب و اعطای مساعیات به آنهایکه خوب خواهند کوشید دریغ نکند و سفرا و وزرای مقیم دولت عینه در مشاک اروپا از معاوت و همراهی و فراهم کردن اسباب تحصیل خود داری نماید و اگر موافقی پیش آید برفع آن بکوشند.

پنجم - این شاگردان که در کلاس مدارس باید بروند. پیش از ذکر مدارس و احتیاج ایران معلوم باید سبب تدبیرات مشاک اروپا را شرح دهیم. مریزه در مشاک اروپا دو قسم اصول تدریس موجود است. یکی را اصول آنگلو ساکسونی و دیگری را اصول لاتینی میگویند. اصول لاتینی که در مشاک فرانسه، اسپانیا و ایتالیا و سربو جاری است عمده تر زیاد دارد و حتی عالم و دانشمندان این ملت نیز به وفقی آن برده و تفکر صلاح آن داده اند.

صورت لاتینی چنانچه از روسیام مدارس و سامانها معارف و تشکیلات مدارس و اسلوب تدریس معلمین ممالک لاتینی مشهور است. شرح است نصارت از یاد دادن شاگرد سبب تدریس در معاوت سزاهت است. یعنی در مدارس این مشاک بسیار چیز یاد داده و ذهن شاگردان را بر از معارف می سازند. بر روسیام درس ها بسیار سزاهت و مفصل است، حتی شاگردیکه از ابتدای مدرسه و معلومانان به میشود ولی از اداره کردن يك دایره و سبب از اداره امور و معیشت خود نیز عاجز میماند. قوه محاکمه و حسن تشبیه ندارد، و مقاومت شدید نمیتواند و در میدان مبارزه حیات بزودی مغلوب موانع و عوایق میگردد!

اما اصول آنکلو ساکسونی که در انگلستان و آمریکا و آلمان جاری است برعکس این است. پروگرام و دروس مدارس این مملکت بسیار مختصر و کم است. شاگردان کم چیز یاد میدهند. دماغهاشانرا حفظه معلومات نمیسازند. بلکه با قوه محاکمه و حس تثبیت وافدام و امیدارند. شاگردان این مدارس تمام علوم بر وجه اکل آشنا و واقف نمی شوند. اما قوه محاکمه شان بسیار کار می کند و انکشاف مییابد قوای تثبیت و فعالیت سرعت و شدت پیدا میکند. بیشتر از دروس بنزیه قوای معویه شاگردان میکوشند. چنانکه در مدارس انگلستان (کولتز) روزی دو سه ساعت درس خوانده و اسلب اوقات را دوگردشهای جاهای طبیعی و سر کوهها و جزایا در تحت هدایت و تعلیم معلمها میگذرانند. و تطبیقات و عملیات می بینند. یکی از اسکلیسان به پسر خود در باب تحصیل چنین نصیحت می کند (خواندن زمان روم ولاتین لازم نیست. مادرت هم واقف به علوم و فنون نیست. تو بکوش و تیرت کن که یک اسکلیس جسور و فایده بخش و فعال و راستگو و صاحب خلق و متدین بوده باشی) در کولتزها و صیغه ناطمی را بعهده شاگردان بزرگ هر کلاس و وظیفه خدمت کارها نیز بعهده کسبیکه در می آید محول می کنند. تا شاگردان از آسودگی و صایف آمری و مامور برآید بگیرند. و قبایله شاگردان این مدارس فارغ التحصیل شدید از اداره امور خود عاجز میباشد. هر کاریکه پیش میگیرید موفق میشود. در عالم حیات مواج را بهیچ میسازید و همیشه صاحب عزم قوی و تثبیت و فعالیت بزرگ میشود البته این اصول دوم رجحان بر اولی دارد و اگر این نکته بصر گرفته شود باید اغلب شاگردان را بهداریکه بدین اصول تدریس میشود فرستاد. و وزارت معارف را نیز لازم است که در پروگرام مدارس و نظامنامه معارف این اساس را از نظر دور نگرفته و به تعمیم و تطبیق اصول دوم در مدارس ایران بکوشد.

ولی چون اغلب شاگردان ایران غیر از زبان فرانسه زبان دیگر نمیدانند و تحصیلات خود را درین زبان کرده اند، لابد باید بهالیکه خدواریات با زبان فرانسه است بروند، و درینباب سوئیس و

بلژیک از حیث کمی مصارف و حسن اخلاق اهالی بر فرانسه مرجح است. اما تعیین مدارس و علومیکه تحصیل خواهند کرد منوط به تقدیر کابینه و استعداد و میل طبیعی شاگرد است. ولی باید پیش از انتخاب معلوم شود که کدام شعبه از علوم و فنون را تحصیل خواهند کرد. و با وجود این یک نقطه اساسی هست که ابدأ نباید فراموش شود. آنهم احتیاجات امروزی مملکت است. یعنی کابینه باید احتیاجات فوری و امروزی مملکت را بصر گرفته و اکثر شاگردانرا تحصیل علومیکه رفع آن احتیاجاترا میتواند نکند بگرد. بقیه ما بزرگترین احتیاجات ایران بر اصلاحات امور مایه است. هر اقدام و تشبیه پیش گرفته شود بدون مایه انجام نمیگیرد و حق بدون قوه مایه خود این شاگردان نیز نمیتواند به اروپا رفته و تحصیل بکنند. هیچ رهبر می نیست که اجرای آن منوط قوه مایه نباشد. و میتوان گفت که استقلال ایران نیز منوط به اصلاح و تراید مایه است. پس اکثر این شاگردان باید این شعبه را تحصیل بکنند.

پس از مایه باید شعبه بوتیک و حقوق و حریه را اهمیت داد. معلوم است که سیاست خارجی دولت مخصوص ایران ما اگر در دست مامورین ما سیاست و بوتیک و آشنا علم حقوق باشد بسیاری از مواج خرحی امروزی را بدون توسل بچاره های شدید و بطریق آسان رفع می کند و حقوق دولت و ملت را در پیش تعدیت و تجاوزات احب که مبنی بر هیچ حق نیست حبط میباشد. و ندانسته هزاران حقوق دولت را در مقابل یک تعارف و بی نشان میروشنند. به مدعیات و مطالبات کزاف و ماحق دول همجوار جوابهای قانونی و مسکت میدهند و همچنان تامین آسایش داخلی و مقاد کردن سرکشان مملکت و تحصیل مالیات و اجرای اوامر دولت و محافسه حدود مملکت و دفاع از تجاوز احب جز در سایه رفورم وزارت حریه ممکن نیست ولی چیزیکه درین تحصیلات شاگردان لازم است

وقت نشان دادن عملیات است. یعنی تنها به یاد گرفتن علوم اکتفا نباید بکنند. بلکه اوراق بزرگسایور و تشکیلات باید به بینند. داخل بدوایر حکومت اورویا شده رأی العین مشاهده کنند و اداره کردانی

